

تجلی اتحاد بزرگ ملی

روزی ام تیرماه در تاریخ مبارزات خلقهای ایران، روز تجلی اراده‌ی توده‌های وسیع، خلق است. خلقی که در وحدت‌ی فشرده توانست در مبارزه علیه شوطی بزرگ امپریالیست‌ها و عمالشان، به پیروزی رسد. ۲۷ سال پیش در چنین روزی توطئه‌ی مشترک امپریالیست‌ها و مرتجعین داخلی به رهبری شاه خائن در ضربه زدن به جنبش از طریق برکنار ساختن مصدق و به صحنه آوردن قوام السلطنه این پیر کفتار و بسته به استعمار آشکار شد.

احمد قوام - یا تبختر موزیای - اعلام کرد " کشتیان را سیاستی نگذاشتیم و سیاست قلع و قمع نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه را پیش کشید. رهبران حزب توده نیز که هنوز از فحاشی و ست کردن پایه‌های حکومت دیکتاتور مصدق دست برنداشته و او را عامل امپریالیسم آمریکا خطاب میکردند عملناظران منفعل تغییر اوضاع بودند. در چنین روزی خلق بی‌باک است، صفوف خود را تنظیم کرد، اسلام مبارز، ناسیونالیسم بقیه در صفحه ۴

در این شماره:

- * جنبش همافران و نوسازی ارتش
- * اخبار جنبش مقاومت افغانستان
- * لوطه‌های ضد انقلاب در خوزستان
- * گزارش از «گشت» (بلوچستان)
- * قوانین ضد کارگری را لغو کنید
- * نامه جوانان قشالی

نه انحصار طلبی، نه قدرت طلبی -

اتحاد بزرگ ملی

جنبش همافران و نوسازی ارتش

افسران، همافران، درجه‌داران و سربازان وجود دارند و در خواستهای صنفی و سیاسی که از طرف هر کدام از این اقشار مطرح می‌شود ظهور می‌کند. سیستم طبقاتی و تبعیض که ارتش شاهنشاهی است ضربه خورده اما کاملاً از بین نرفته اند و هنوز سیستم نوپسند و دمکراتیکی جا نشین آن شده است. (۲) وجود مراکز مختلف فرماندهی: مثلاً سیستم سنتی فرماندهان، شوراها و انجمن‌های اسلامی که هر کدام بخشی از افراد ارتش را در بر میگیرند و هر کدام سعی دارند سیاستها و برنامه‌های خود را به پیش ببرند و فرماندهی خود را اعمال نمایند، و این امر به هرج و مرج موجود در آن منتهی شده است.

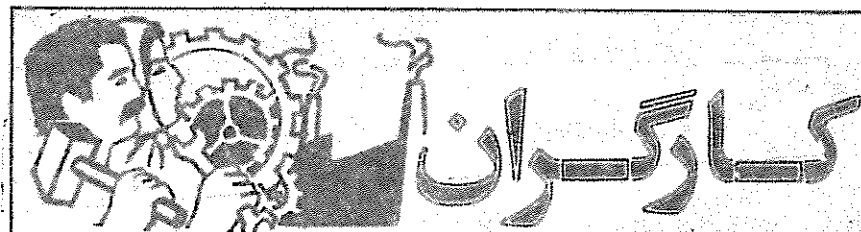
(۳) عدم تصفیه بخش‌هایی از ارتش: عدم پیگیری در تصفیه آن عده از ارتشانی که سرسپرده رژیم سابق بوده اند باعث شده است تا نارضایتی در آن من زده شود و زمینه برای فعالیت‌های فرصت طلبان "چپ" فراهم آید.

(۴) انحصار طلبی: در ارتش نیز انحصار طلبی وجود دارد و شدیداً به ایجاد ارتش ملی ضربه می‌زند. تضییقات علیه نیروهای غیر مذهبی، انتصابات غیر معقول باعث شده است که از تمام نیروهای صادق موجود در ارتش بهره‌گیری نشود و در نتیجه زمینه برای باقی ماندن یا نفوذ عناصر ضد ملی،

گسترش جنبش اعتراضی همافران نیروی هوایی در هفته گذشته و تحصن سراسری آنان، بار دیگر مسئله ارتش و مشکلات موجود آن را در اذهان عمومی برجسته ساخت. ارتش جزئی از جامعه بوده و مشکلات آن انعکاسی از مسائل جامعه است، اما از آنجا که ارتش در حفظ استقلال کشور نقش ویژه‌ای دارد، در صورت ادامه این وضع نابسامانی در ارتش و سروسامان نیافتن آن، می‌تواند خطرات جدی برای استقلال مین مابوجود آورد. مشکلات و تضادهای موجود در ارتش را می‌توان بصورت زیر برشمرد:

(۱) اختلافات طبقاتی و قشری: این اختلافات در بین امرا ارتش،

گشته است. از اینروست که جناح انحصار طلب در حاکمین، مسئولیت بیشتری را در تشدید بحران کنونی بردوش دارد. مقصود از سیاست انحرافی چیست؟ مقصود سیاست نفی ضرورت وحدت با دیگر نیروهای ملی و پس زدن آنها و تحمیل یک ایدئولوژی، یک طبقه و یک حزب به کشور، همراه با بکار بردن معیار مذهبی بجای سیاسی جهت تشخیص درست از بقیه در صفحه ۴



کارگران گرامی باد خاطر ۲۳ تیر

خوزستان و همچنین اجرای کامل قانون کار. این اعتصاب مرکب از یکصد

۳۳ سال پیش در بیست و سوم ۱۳۲۵ کارگران غیرتمند و زحمتکش نفت جنوب در ادامه مبارزات ضد

امپریالیستی (بویژه آمریکا و شوروی و عمالشان)، اخلاص مشی و چپ روانه، حملات سرسختانه ضد کمونیست و ضد اسلام است، بازتابی بس گسترده داشته و خطرات بیشتری را متوجه کشور و انقلاب میکند.

ما در سرمقاله‌ی شماره‌ی قبل، علل بحران سیاسی کنونی را بر شمرديم و متذکر شدیم که بنظر ما انحصار طلبی جناحی از حاکمین مهمترین عامل فوری و بلافاصله را در تشدید بحران سیاسی کنونی تشکیل میدهد. چه سیاست و روش آنها، با داشتن قدرت سیاسی و حکومتی و نفوذ وسیع در میان مردم، اثر بیشتری در اوضاع داشته است.

بعلاوه، داشتن قدرت سیاسی یک عامل بزرگ مثبت برای پیشبرد انقلاب بود که متأسفانه با در پیش گرفتن خط مشی انحصار طلبانه در سیاست از مواردی که عامل منفی تشدید بحران تبدیل

با رشد بحران سیاسی و تشدید تفرقه میان دسته‌جات، گروه‌ها و احزاب، مسئله‌ی چگونگی مبارزه با این بحران و جنبات انقلاب، بعنوان مهمترین مسئله سیاسی کشور، در دستور کار تمام گروه‌های استقلال طلب و آزادیخواه قرار گرفته است.

در یکی دو هفته‌ی اخیر، امام خمینی چندین بار روی اهمیت بزرگ وحدت تاکید کرده و بار دیگر مردم را دعوت به اتحاد نموده اند. رشد بحران سیاسی، موجب ایجاد صف بندی‌های نوینی گشته و دو قطب متضاد مشخص را در برابر هم قرار داده است: انحصار طلبان، که جناح مهمی را در میان حاکمین تشکیل میدهند، و قدرت طلبان، که آنها نیز در ماهیت انحصار طلبانند اما قدرت سیاسی را درست ندارند.

کشاکش این دو جناح، در شرایط هرج و مرج سیاسی موجود که اساساً ناشی از توطئه‌های

اخباری از جنبش مقاومت ملی افغانستان

علیرغم ترور و خفقان حاکم امپریالیسم روسیه و دارودسته

علیرغم ترور و خفقان حاکم در افغانستان، تیربارانها و بمباران هوایی مناطق مختلف، خلق های قهرمان افغانستان همچنان به مبارزه خود علیه دارودسته تره کی و اربابان روسی ادامه میدهند.

مبارزه خلق های دلیسر افغانستان مبارزه ایست اسیل ملی، برای استقلال و آزادی. در ایران دارودسته کیانوری، کارزار تبلیغاتی وسیعی را بر علیه مبارزه ضد امپریالیستی خلق های افغانستان بر راه انداخته و ضمن تائید جنایات همیالگی ها پیش در افغانستان، مبارزین این کشور را متهم به وابسته بودن بخارج مینماید. عده ای از سازمان های سیاسی ایران نیز بجای پشتیبانی از مبارزین افغانستان و محکوم کردن جنایات

امپریالیسم روسیه و دارودسته جنایتکار تره کی، در دام تبلیغات ابر قدرت روس و نوکرانش افتاده و به لوث کردن ماهیت مرفعی این جنبش پرداخته اند. مادرزیر به نقل اخباری از بارزات مردم افغانستان و جنایات ابر قدرت روس و نوکرانش در آنجا میپردازیم. * در راس مشاوران روس که تعدادشان در افغانستان به هزاران نفر میرسد، ژنرال الکسی پیی شف معاون اول وزارت دفاع شوروی قرار دارد. او کسی است که در تاج و زامپریالیست های شوروی به چکسلواکی در سال ۱۳۴۷ نقش مهمی را ایفا کرده بود. * حکومت ضد خلقی تره کی از دانش آموزان دختریکه از مدارس

بقیه در صفحه ۷



خطر ما به آمریکا بود که باعث پیروزی شما شد!

۱۳۲۵، کارگران غیرتمند و زحمتکش نفت جنوب در ادامه مبارزات ضد استعماری خود علیه امپریالیسم انگلیس که بغارت و چپاول منابع زیرزمینی ما مشغول بود دست به اعتصاب زدند. خواست های کارگران عبارت بود از: قطع نفوذ شرکت نفت انگلیس در امور سیاسی ایران، انحلال اداره جاسوسی آن، اخراج رهبران آنها از ایران، تبدیل کمپانی نفت به یک موسسه تجاری خالص، برکناری استاندار

حمله به دفتر «رنجبر»

در رشت

نیمه شب جمعه ی هفته ی گذشته عده ای بدفتر رنجبر در شهر رشت حمله کرده و سعی در تخریب محل را داشتند. پاسدار دفتر گزارش این واقعه را برایمان چنین نوشته است: در ساعت یک با مداد جمعه ۲۲ تیر جمعیتی که حدود ۳۰ نفر بودند در صد حمله به دفتر «رنجبر» برآمدند. از رفت و آمد جمعیت طوری برمی آمد که از مجلس سخنرانی می آیند. آنها ابتدا با شعارهای کمونیست نابود است - اسلام پیروز است بطرف ساختمان شروع به پرتاب سنگ کردند و سپس ۵ نفر از آنها به درب ورودی حمله کرده، لگدهائی به در زدند و تا بلوی (دفتر رنجبر و جوانان انقلابی) را کردند.

من در صد در آمدم که به پائین رفته و با آنان صحبت کنم و چون فکر کردم که امکان درگیری زیاد است و این ممکن است در شرایط کنونی کار اشتباهی باشد بهمین دلیل به ۱۱۸ تلفن کرده و تلفن کمیته ی انقلاب را که ۲۲۲۲۰ میباشد گرفته و با آنها تماس گرفتم و جریان را توضیح دادم، بمن گفتند که باید بلاکلانتری ۲ تماس بگیرم، بلاکلانتری

بقیه در صفحه ۲

قانون کار. این اعتصاب مرکب از یکصد هزار نفر کارگر صنعتی مناطق نفت خیز خوزستان آنچنان عظیم و گسترده بود که پشت امپریالیسم انگلیس و عمال آنرا منجمد شاه خائن و قوام السلطنه و دیگر اعیان و افسران را لرزاند. در طی اعتصاب او به اش وولگردان و اراذل به تحریک حکومت دست نشاند به اتحادیه های کارگری یورش بردند و با مقاومت

بقیه در صفحه ۲

آرایشگران امپریالیسم (۲)

دسته غاصب رویزیونیست های نوین که در سال زمان چریک های فدائیی خلق لانه کرده اند، ادام می دارد. نشریه "کار" (ارگان سازمان چریک های فدائی خلق) که دفاع علنی از امپریالیسم روسیه را بعهده گرفته است تلاش دارد تا به هر کس که دولت شوروی کنونی را دولت سرمایه داران و شوروی کنونی را کشوری امپریالیستی میدانند برچسب "کائوتسکیستی" بزنند. این پستی از ناشایسته ترین تلاشها برای دفع از امپریالیسم روسیه است. بدلائل رویزیونیست های آرایشگر توجه کنید: آنها میگویند چون کائوتسکی رویزیونیست در ۶۰ سال پیش دولت سوسیالیستی شوروی را دولت سرمایه داری خواند پس (۱) امروز نیز هر کس شوروی را کشوری امپریالیستی بداند کائوتسکیست است! اینکه در ۶۰ سال قبل در شوروی دیکتاتوری پرولتاریا بر سر کار بوده است لزوما بمعنای اثبات وجود آن در سال ۱۹۷۹ نیست. مسئله مورد بحث درست صحت یا کذب تغییر از جامعه سوسیالیستی آن زمان (که مورد قبول همه است) به جامعه سرمایه داری کنونی است و این مغلطه ای بیش نیست که بگوئیم وجود سوسیالیسم در ۶۰ سال

بقیه در صفحه ۶

آرایشگری و دفاع از امپریالیسم روسیه، توسط دارو

اطلاعیه

در این زمان حساس که به اخلاص ابر قدرتها و عمالشان به هرج و مرج در کشورمان دامنه میزند، وظیفه کلیه نیروهای استقلال طلب، آزادیخواه و انقلابی است که با رد دیگر متحدان سنن راهپیمایی طولانی و میلیونی دوره انقلاب را زنده کنند و پاسخ دندان شکنی به ضد انقلاب بویژه آمریکا و شوروی و عمالشان بدهند. درست بخاطر این هدف، ما از کلیه نیروهای استقلال خواه طلب میکنیم پرچم اتحاد بزرگ ملی را به دور از هرگونه منافع گروهی و فرقه ای برافرازنند و درست به همین خاطر ما از مردم مبارز دعوت میکنیم. در راهپیمایی وحدت "روز سه شنبه ۲۶ تیرماه، دریادبود شهیدان سی ام تیرماه ۱۳۳۱ در این بابویه در روز جمعه ۲۹ تیرماه و در بزرگداشت روز تاریخی سی ام تیرماه در میدان بهارستان در روز شنبه سی ام تیرماه شرکت جویند دفتر سیاسی سازمان انقلابی

۵۸/۴/۲۳

* نه انحصار طلبی ...

بقیه از صفحه ۱

نا درست است. با ذکر چند مثال از عملکرد سیاست انحصار طلبانه، منظورمان را روشنتر کنیم:

* انتخاب پرسنل در ادارات دولتی نه بر حسب شایستگی، بلکه با معیار مذهبی بودن یا نبودن، و حتی تصفیه عناصر مترقی غیر مذهبی.

* تحمیل یک ایدئولوژی به صحنه فعالیت‌های فرهنگی و وسایل ارتباط جمعی. مبارزه و ایجاد تضییقات برای افکار غیر اسلامی مترقی.

* راه ندادن افراد ملی و انقلابی غیر مذهبی به کمیته‌ها و سپاه پاسداران و منحصر کردن ترکیب کمیته‌ها به افراد مذهبی. * گماردن افراد ناشایست و ندادن به ادارات و موسسات تولیدی، تنها با معیار اسلامی بودن، عدم جلب حمایت کارکنان غیر مذهبی این موسسات و گاهی تصفیه عناصر انقلابی غیر مذهبی. * مماشات با کارزارهای ارتجاعی سرخستان ضد کمونیست و عدم مقابله با آنها حتی تشویق آنها در مواردی.

* عدم مبارزه با فئودال‌های ضد خلقی بخاطر پوشش اسلامی که آنان فرصت طلبانه به تن کرده‌اند و گشاده شدن به ایستادگی در مقابل خواست‌ها و جنبش بحق دهقانان.

* عدم وحدت با نیروهای اصیل و مترقی در میان ملیت‌های زیرستم و ایستادگی در مقابل جنبش بحق آنان، رد حق تعیین سرنوشت زیرلوی "امت واحد" و متحد شدن با نیروهای ناباب در میان ملیت‌ها برای پیشبرد مقاصد و حاکمیت خود. و

در این میان آنچه مهم است، نادرستی این سیاست‌های انحصار طلبانه بخودی خود نیست، بلکه اهمیت قضیه در نتایج سیاسی است که اعمال این سیاست‌ها ببار می‌آورد.

نگاهی کوتاه به نتایج فاجعه‌بار اجرای این سیاست انحصار طلبانه بیافکنیم تا شدت ضربه‌ای که این سیاست به امر انقلاب می‌زند، روشن‌تر گردد:

— بخاطر عدم وحدت با توده‌های

حرکات محقانه‌ی خلق و اکثس منفی نشان داده و حرکت اصیل خلق برای بهبودی وضعیت را "توطئه" می‌انگارند و لذا در مقابل آن ایستاده و جبهه‌گیری می‌کنند: در مقابل کارگران و خواست‌های سکوت در مقابل حملات به تحصن‌های کارگری - کارمندی، سکوت در مقابل تهاجم ضد انقلابی فئودال‌ها به دهقانان و از اینرو خود را قدم بقدم از توده‌ها جدا و منفرد کرده، ناراضی را رشد داده و انقلاب را از ذخیره بزرگ انسانی‌اش محروم ساخته و شورش و شوق توده‌ها را به دل‌سردی بدل کرده است.

— خط‌مشی انحصار طلبانه موجب رشد ناراضی‌های شدید در میان روشنفکران غیر اسلامی گشته است. اینها گرچه کمبودهای خود را دارند و بسیاری از آنان غرب زده هستند و به زحمت‌کشان نمی‌اندیشند، اما بخشی از خلق‌اند و با صبر و حوصله با در نظر گرفتن احساسات و منافعشان می‌توانند و باید مورد تجدید تربیت قرار گیرند. بویژه آنکه روشنفکران برای کشوری عقب‌مانده که بازسازی اقتصاد و فرهنگ ملی در دستور کار است، اهمیت فراوان دارند. اما سیاست انحصار طلبانه موجب دل‌سردی روشنفکران و رشد مهاجرت آنان به خارج گشته است.

جمع که بزینیم می‌بینیم انحصار طلبی از یکسو در مقابل حرکت خلق قرار گرفته، نفاق افکنده و لذا انقلاب را تضعیف کرده است و از سوی دیگر با نتایجی که سیاست‌های فاجعه‌بار او ببار آورده، زمینه را برای فعالیت‌های قدرت طلبان "دمکرات-چپ" و بدتر از آن، سرخستان ضد کمونیست و ضد اسلام و توطئه‌های دوا بر قدرت فراهم نموده است.

با دیدن انحصار طلبان این چنین واقعیت چون روز روشن باشد که در شرایط کنونی ایران نمی‌توانند با در پیش گرفتن خط مشی انحصار طلبانه حاکمیت خود را حفظ یا تقویت کنند، و این واقعیت دلایل عینی و خارج از اراده‌ی افراد دارد.

واقعیت اینست که انقلاب ما یک انقلاب سیاسی بود، رژیم منفور شاه را سرنگون کرد اما دست به بافت اقتصادی و اجتماعی

مترقی به وسائل سدکننده‌ی حرکت و سرکوبگر تبدیل می‌سازد و با زهم بنوبه‌ی خودتضاد با حرکت خلق را تشدید کرده، دوره تسلسل را ادامه می‌زند.

قدرت طلبان آن بخش از سرمایه‌داران (بزرگ، متوسط و خرده‌پا) را تشکیل می‌دهند که از قدرت سیاسی محروم بوده، با حاکمین شدیداً مرزبندی کرده، حاضر به همکاری واقعی با آنان برای هدف‌های ملی نیستند و از هر وضعی در حاکمین، از هر ناراضی درجا معبر برای تضعیف دولت و ارگان‌های قدرت، جلب نیرو و بسوی خود و رسیدن به حاکمیت سیاسی، سوء استفاده می‌کنند.

آنها دنبال راه حل برای مسائل و وحدت دادن خلق، پیش راندن پیروزمندان‌های انقلاب و بهروزی زحمتکشان نیستند، آنها نیز از لحاظ خط مشی دچار اشتباه‌اند، دوستان کاذب خلق‌اند، هدف آنها سودجستن از هرچ و مرج برای ایجاد انحصاری دیگر در قدرت سیاسی است. آنها نیز انحصار طلبانند و در پی اتحاد بزرگ ملی علیه امپریالیسم و برای پیشبرد انقلاب و ترقی کشور نیستند. فعالیت‌های آنان آگاهانه یا غیر آگاهانه، زمینه را برای توطئه‌های دوا بر قدرت آمریکا و روسیه، سرخستان ضد اسلام و فرصت طلبان "چپ" فراهم کرده و بصورت پوشش این نیروها درآمده است. بعلاوه، آنها با فعالیت‌های نفاق افکنانه‌ی خود، بروی سرخستان ضد کمونیست "حقانیت" ایجاد کرده و راه بازگشتی برای انحصار طلبان در قدرت و تصحیح مشی آنها، باقی نمی‌گذارند.

با توجه به اهمیت بزرگ سوق الجیشی ایران و رقابت مرگبار دوا بر قدرت بر سر آن و توطئه‌هایشان و وجود کوه‌سی از تضادها و مشکلات باقی مانده از حاکمیت رژیم سابق، این مشی‌های انحرافی انحصار طلبی و قدرت طلبی، در صورت موفقیت، پاک‌شور را به لبه پرتگاه جنگ داخلی میکشاند و موجب ایجاد حکومتی ضعیف و مسالمت جو با امپریالیسم می‌گردند. که در هر دو صورت این امر بمعنای به شکست کشاندن انقلاب بوده و تنها امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی آنها سود خواهند برد.

* حمله به دفتر ...

بقیه از صفحه ۱

تماس گرفتیم و آنها ابتدا گفتند که به آنها مربوط نیست ولی از آنجائیکه از طرف من نسبت به وظایفشان تاکید شد، در جواب گفتند که گشتی هایشان در خیابان است بابتی سیم به آنها اطلاع می‌دهند. از آنجائی که لحن صحبت نشان دهنده آن بود که آنها هرگز به محل نخواهند آمد دوباره با کمیته انقلاب آقای "خورگامی" تماس گرفته و جریان را گفتم و ایشان تلفن سپاه پاسداران را به من دادند و من با آنها تماس گرفتم قرار شد که با فرمانده خود صحبت کرده و به من تلفن کنند. بعد از یک دقیقه تلفن کرده و گفتند که چون قرار شده که در مورد اخلی شهر دخالت نکنند هیچ کاری نمیتوانند انجام دهند و قرار شد که به شهر بانی اطلاع داده و بعداً با من تماس بگیرند. قولشان بصورت وعده سرخمرن بود. دوباره با کمیته انقلاب آقای "خورگامی" تماس گرفتم و نا موفق بودن خود را به ایشان تذکر دادم و سؤال کردم که به چه کسی باید مراجعه کنم ایشان گفتند که نمیدانم والله و سپس به من گفتند که با آنها صحبت کنم و به آنها بگویم که اینکار را نکنند پرسیدم اگر به من حمله کردند و درگیری ایجاد شد آیا شما مسئولیتش را بعهده می‌گیرید ایشان گفتند خیر گفتم آیا خودتان میتوانید به محل آمده و با آنان صحبت کنید گفتند خیر گفتم پس خودم با مسئولیت خود و آگاهی شما از این جریان وارد عمل خواهم شد گفتند آخه کار درستی نیست گفتم کار درست را شما به من پیشنهاد کنید تا انجام دهم گفتند چیزی به نظرشان نمیرسد با چند نفر تماس میگیرند و به من تلفن میکنند. گوشی را گذاشتم و منتظر تلفن پاسداران انقلاب و کمیته انقلاب ایستادم.

جمعیت هم بعد از نیم ساعت متفرق شدند. از تلفن پاسداران و کمیته خبری نشد. ساعت یک ربع به ۲ صبح بود که پایتین رفتم تا از مردمی که در فاصله‌ای دورتر اجتماع کرده بودند تحقیق بکنم. جوانی میگفت عده‌ای متعصب که تعدادی توده‌ای هم جزو آنان بودند و آنها را هم میشناسد اینکار

دیگر گفت این نتیجه یک سخنرانی ضد کمونیستی امروز صبح در دانشگاه بوده است و چند درگیری دیگری هم بوجود آورده‌اند.

به دفتر بازگشتم و از تلفن هم خبری نشد.

این گزارش و همچنین اطلاعات بیشتری که بعداً بدست ما رسید، حاکی از آنست که ما چرا بدنبال سخنرانی یکی از وعظ شروع شد. اما این ظاهر قضیه است. ببینیم بطن این جریان چیست و اینگونه حرکات به چه کسانی خدمت میکند.

ما در این ماجرا دو جریان قابل توجه را مشاهده میکنیم: — اول فتنه‌گری سرخستان ضد کمونیست که تحت لوای باصطلاح دفاع از اسلام و با استفاده از احساسات پاک مذهبی مردم، جریان را برای مهیا کردن از دست و پایش کنترل جریان و جهت دادن آن به دست او یا شاد رودسته کیا نوری و شرکاء و یا اراذل سبزه میافتد. و از این دودا رودسته انتظار دیگری نمیتوان داشت. اما آنچه که ما را و امیدار دتا به نیروهای مادی استقلال خواه بویژه نیروهای مذهبی و حاکمین هشدار دهیم، زمینه‌ی دادن به فعالیت سرخستان ضد کمونیست است. ما با رها تذکر دادیم که اعمال سرخستان ضد کمونیست در جهت مخدوش کردن مرز میان خلق و ضد خلق و ضربه زدن به انقلاب و نظم انقلابی بوده و تنها در خدمت امپریالیست‌ها بویژه دوا بر قدرت قرار میگیرد.

— جریان دوم سکوت عدم تحرک، بی تفاوتی و تسلیم هرچ و مرج شدن ما مورین دولتی، کمیته‌ها و پاسداران است که نشان میدهد در چنین شرایط حساس میهن با آنکه بیشتر نیروهای سیاسی، ملی و از جمله سازمان‌ها و تقویت دولت و برقراری نظم انقلابی هستند، دستگاه‌های دولتی و حاکمین در این مورد بی قیدی تا سفاوری از خود نشان میدهند که بهیچوجه قابل توجیه نیست. مسلماً این بی قیامی دست برخی گروه‌های فرصت طلب را در اقدام‌های خود سرانه جدا از دولت تحت عنوان دفاع از حقوق خود باز میگذارد.

ما به مقامات دولتی و حاکمین هشدار میدهم که در اوضاع حساس کنونی با هر عملی که به اتحاد

ضربه‌ای که این سیاست به امر انقلاب میزند، روشنتر گردد:

— بخاطر عدم وحدت باتوده‌های ملیت‌های تحت ستم و نیروهای سیاسی صادق آنها، در چند ماه گذشته، حاکمین بیشتر و بیشتر در جلوی این جنبش‌های بحق قرار گرفته، پایه‌ها و نفوذ سیاسی خود را در مناطق ملیت‌نشین از دست داده و از اینرو برای جبران این امر و حفظ نفوذ خود، قدم به قدم به وحدت با فئودال‌ها و نیروهای ناباب محلی کشانده شده و به آنها تکیه کرده‌اند. — با توجه به تنفر وسیع توده‌های ملیت‌ها از این عناصر ناباب و وجود مبارزه شدید طبقاتی در این مناطق، این سیاست موجب تضعیف بیشتر دولت مرکزی و انقلاب اسلامی در میان ملیت‌ها گشته و راه را برای نفوذ و توطئه‌های امپریالیستها و ضد انقلاب باز کرده و زمینه را برای تشدید فعالیت‌های مخرب فرست طلبیان "چپ" نما آماده نموده است. — عدم تکیه به توده‌ها و ندادن دست‌همکاری به نیروهای سیاسی ملی در امر سرکوب ضد انقلاب و بکار بردن معیار مذهبی موجب شده است که عناصر ناباب، اوباش، ساواکی‌ها و جاسوسان روس، همه در لباس باصطلاح "اسلام" در اینجا و آنجا در ارگان‌های قدرت نفوذ کرده و به اغتشاش‌ها من زبند، در وحدت خلق تخریب نموده و حیثیت جنبش اسلامی و دولت ملی را خدشه دار سازند.

— خط مشی انحصار طلبانه دارای هیچ گونه مصونیتی در برابر سرخستان ضد کمونیست نبوده و این سرخستان توانسته اند از نتایج تفرقه افکنانه پیاده شدن خط انحصار طلبانه سواستفاده کرده و حملات خود به نیروهای ملی و انقلابی را تشدید کنند، توده‌های بیشتری را ناراضی کرده و زمینه را برای تبلیغات ضد انقلابی امپریالیستها و سرخستان ضد اسلام فراهم آورند.

— خط مشی انحصار طلبانه بعلت حرکت از منافع گروهی و محدود، در اکثر نقاط نسبت به

یک انقلاب سیاسی بود، رژیم منفور شاه را سرنگون کرد اما دست به بافت اقتصادی و اجتماعی جامعه — مگر در مواردی محدود نزد و از اینروست که سرنگونی رژیم، تازه حل مسائل اساسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خلق را در دستور اقدامات انقلاب قرار داد. لذا پس از سرنگونی رژیم سابق، ما مواجه با یک جریان وسیع، عمیق و قدرتمند توده‌های خلق برای تغییر اوضاع و بهبود شرایط زندگی‌شان بوده‌ایم. خواست ملیت‌ها برای رفع ستم ملی و خودمختاری، خواست زحمتکشان برای رفاه و عدالت اجتماعی، خواست روشنفکران برای آزادی و دموکراسی و و این یک جریان طبیعی پس از هر انقلاب سیاسی است که هیچ نیروئی نمیتواند در مقابل آن بایستد و آنرا سد کند، بلکه در عوض، باید با آن متحد شود و آنرا بسوی تغییرات وسیع و عمیق بسود خلق و استقلال کامل میهن جهت داد، و انجام چنین کاری از کسانی برمی‌آید که منافع والای میلیونها نفر از توده‌های خلق از طبقات گوناگون را در نظر دارند، نه منافع محدود و تنگ نظرانه‌ی گروهی خود را.

بخشی از حاکمین، با این ایده که گویا انقلاب تمام شده و تمام وظایفش را به انجام رسانیده و کارمان فقط سازندگی (آنها) جدا از این حرکت مرفعی خلق و به مفهوم تحکیم موقعیت اقتصادی طبقه سرمایه‌دار است، مجموعه‌ی این حرکت بحق خلق را "توطئه" می‌بینند، در جلوی آن می‌ایستند، با مقاومت روی می‌شود، گام‌هایی در سرکوب آن بر میدارد،

اما مسئله وجود دارد و حل نشده و مردم خواسته دارند. از اینرو و حاکمین و انحصار طلبان بیشتر وضعی گشته و مجبورند برای پیشبرد خط مشی انحصار طلبانه‌ی خویش به ابزار سرکوب ویا تکیه به افراد ناباب متوسل شوند. این امر موجب نفوذ افراد ناباب در ارگان‌های قدرت گشته و آنها را قدم به قدم از ارگان‌های ملی و

بوده و تنها امپریالیستها و مزدوران داخلی آنها سود خواهند برد.

ما با انتقاد از انحصار طلبی و قدرت طلبی، استوارانه پشتیبان اتحاد بزرگ ملی هستیم. اتحادی که بر سه اصل خلق، استقلال ملی، آزادی برای خلق و عدالت اجتماعی برای مردم بنا شده باشد.

ما معتقدیم که تضاد میان انحصار طلبان و قدرت طلبان از جمله تضادهای درون خلق بوده و باید از طرق دموکراتیک، یعنی بحث و انتقاد و اقناع حل شود. هر دو دسته مبتلا به اشتباه در خط مشی سیاسی خود هستند و ما معتقدیم که آنها این قابلیت را در خود دارند که اشتباهات خود را تصحیح کنند.

آن دسته از سرخستان (در هر دو طرف) که قضیه را تمام شده فرض کرده و توانائی تصحیح اشتباه را به طرف مقابل نمیدهند اشتباه میکنند و منافع خلق را در نظر ندارند. آن دسته از فرصت طلبان "چپ" نما که میان خلق تنها نکات منفی را تبلیغ کرده، امکان تصحیح خط مشی از طرف انحصار طلبان را ندادند، تضادهای درون خلقی را به سطح تضادهای میان خلق و دشمن کشانده و توده‌ها را از "خط فاشیسم" میترسانند و عملاً افکار عمومی را برای سرنگونی دولت ملی فراهم می‌آورند، آگاهانه یا نا آگاهانه در خدمت سیاست‌های امپریالیستها قرار میگیرند و به خلق و انقلاب ضربه میزنند.

ما عمیقاً معتقدیم که اولاً، توده‌های مردم از تفرقه و نفاق از هرج و مرج و تشنج متنفراند. آنها خواهان وحدت کلیه نیروهای میهن دوست، خواهان وحدت سه جریان بزرگ تاریخی اسلام مبارز، ناسیونالیسم مترقی و سوسیالیسم انقلابی اند. و ثانیاً هیچ گروه، دسته، طبقه، ویا ایدئولوژی به تنهایی قادر به پیشبرد نجات انقلاب نیست. امرادامه انقلاب چون امر پیروزی آن، کسار میلیونها نفر، امر وحدت بزرگ نیروهای سیاسی ملی است.

جوانی میگفت عده‌ای متعصب که تعدادی توده‌ای هم جزو آنها بودند و آنها را هم میشناسد اینکار را انجام دادند و میخواهند بیسن مردم اختلاف بیا نندازند و توده‌ای‌ها را عامل اینکار میدانست. جوان

* جنبش همافران ... بقیه از صفحه ۱

در شرایط حساس کنونی ما معتقدیم که برای نوسازی ملی ارتش باید به نکات اصلی زیر توجه کرد: — تضاد پرسنل ارتش با مقامات دولتی عمیقاً تضادی درون خلقی است که باید بشیوه مسالمت آمیز حل شود و نباید از راه داد و ستد "چپ" نما ویا ناباب با حاکم این تضاد را به تجزیه بیشتر بکشانند. — برای پاسداری از انقلاب،

عناصر سرسپرده رژیم سابق — حتی اگر مورد عفو قرار گرفته باشند باید قدم به قدم ولی با قاطعیت از نیروهای مسلح تصفیه شوند و پرسنل میهن پرست مومنین واقعی به انقلاب، (بدون انحصار طلبی و بدون بکار بردن معیار مذهبی و غیر مذهبی) به جای آنها بر طبق اصل شایستگی جایگزین گردند.

— حل مسائل درونی ارتش باید بر طبق اصل اتحاد بزرگ خلق و در پرتو آن صورت گیرد و باید از یک سوء استفاده از مشکلات ارتش برای

ما معتقدیم در وضع بحرانی کنونی نباید تسلیم حوادث و شرایط شد و منفعل ماند. باید پرچم اتحاد بزرگ ملی را استوارانه برافراشت و با انحصار طلبی و قدرت طلبی مبارزه کرد. ما به آینده، به کسب پیروزی‌های بیشتر در ادامه انقلاب و بهبود وضع خلق و میهن خود امیدواریم، چون به توده‌های میلیونی خلق — میهنان، به صداقت، دانائی و میهن پرستی آنان ایمان داریم. انحصار طلبی و قدرت طلبی را مورد انتقاد قرار دهیم پرچم پیروزمندان اتحاد بزرگ ملی را برافراشته و انقلاب را متحداً به پیش رانیم!

ما به مقامات دولتی و حاکمین هشدار میدهم که در اوضاع حساس کنونی با هر عملی که به اتحاد بزرگ ما ضربه می زند مبارزه کنند و قاطعانه و علناً علیه سرخستان ضد کمونیست موضع گیری نمایند.

بسیج پرسنل و مبارزه سیاسی گروه‌ها و احزاب با یکدیگر شدیداً دوری جست.

نوسازی ملی ارتش از مسائل مهم ادامه انقلاب است و باید همراه با مبارزه با توطئه‌های دوا بر قدرت آمریکا و روسیه، دفع سرخستان دست راستی و افشای مشی‌های "چپ" روانه و انحصار طلبانه به پیش رود.

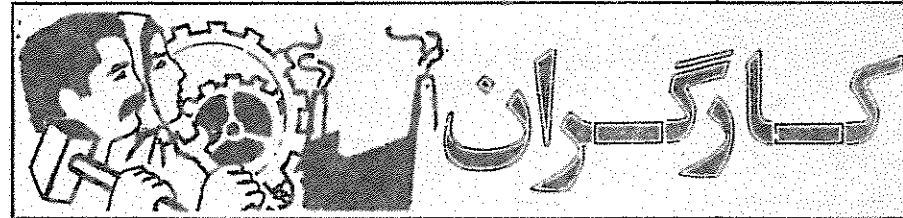
گرامی باد

بقیه از صفحه ۱

شجاعانه کارگران روبرو شدند که منجر به شهادت ۴۷ نفر کارگر و عده زیادی زخمی گردید.

کارگران و زحمتکشان شهرهای دیگر ایران به پشتیبانی از کارگران قهرمان نفت بستند. تظاهرات متعددی دست زدند.

با بالا گرفتن اعتصابات امپریالیسم و عوامل آن در صدد چاره جوئی برآمدند و برای خاموش ساختن جنبش کارگری دست بسوی رهبران خائن حزب توده دراز کردند. سازش خیانتکارانه کمیته مرکزی حزب توده با رژیم و رفتن چند نفر به کابینه قوام السلطنه این پیرکفتار استعمار انگلیس، منجر به دم تکان دادن کمیته مرکزی در نزد ارباب شد بنحوی که "ضاروستا" و "رادمنش" از جانب کمیته مرکزی حزب توده به خوزستان رفتند و در یک میتینگ ۳۰ هزار نفری به کارگران وعده دادند که به خواستهای آنان رسیدگی کنند و اعتصاب شکوهمند آنان را شکستند. آری خون کارگران نفت جنوب ما یا یمال شد و شعله نهضت سراسری کارگری بدست مدعیان رهبری آن موقتاً خاموش شد. اما نشتگران ما پس از آن در نهضت ملی کردن نفت و در انقلاب اسلامی آگاهی و پیشتازی خود را به ثبوت رساندند و نشان دادند که شعله جنبش کارگری نمردنی است.



قوانین ضد کارگری رژیم سابق را لغو کنید

در پنج ماه گذشته، در موارد متعددی که بین کارگران و کارفرمایان اختلافی بروز کرده است و کار این اختلافات به وزارت کار کشیده شده است. دولت برای حل این اختلافات، به قوانین کار سابق استناد کرده و در نتیجه با اعتراض کارگران روبرو شده است.

چرا کارگران به این قوانین اعتراض دارند؟ علت آن روشن است. این قوانین توسط رژیم ضد کارگری سابق تهیه شده و هدف آن پایمال کردن حقوق ابتدایی کارگران بوده است. به همین علت هم، کارگران خواهان لغو این قوانین هستند و میخواهند که قوانین جدیدی تهیه شود که حافظ منافع آنها باشد.

در این قوانین ضد کارگری، که توسط مثنی وکیل خود فروخته مجلس و در جهت تامین منافع یک مشت سرمایه دار وابسته مفت خور وانگل تهیه شده است، کارفرما همه کاره و ارباب است و کارگر هیچکاره و برده.

ماده اول قانون کار میگوید: "کارگر از لحاظ این قانون کسی است که بهر عنوان بدستور کارفرما در مقابل دریافت حقوق یا مزد کار میکند" و ماده ۲ آن، کارفرما را کسی میدانده که "کارگر بدستور و یا بحساب او کار میکند". در موارد دیگر هم، همه جا از کارفرما به عنوان کسی که درباره ادامه کار یا متوقف کردن آن، کم کردن یا اضافه کردن ساعات کار، طبقه بندی مشاغل مختلفه کارگاه و... میتواند و باید تصمیم بگیرد، یاد میشود. تیسره ماده

"شورای امور اجتماعی" که وظیفه اش "ترکیب هم آهنگ ساختن و تمرکز امور اجتماعی در وزارت کار و امور اجتماعی" است و "مرکب از حداکثر پانزده نفر از نمایندگان وزارتخانه ها و موسسات دولتی و ملی مربوط بنابه تشخیص و دعوت وزارت کار و امور اجتماعی بریاست و زیر کار و امور اجتماعی تشکیل میشود" (ماده واحده، مصوب ۴۳/۴/۲) و "شورای عالی حفاظت فنی"، که "برای تدوین و تصویب آئین نامه های بمنظور تامین بهداشت کار و حفاظت از کارگران و جلوگیری از وقوع حوادث در محیط کار" تشکیل میشود، و در آن همه حضور دارند بجز خود کارگر، که درباره اش تصمیم گرفته میشود (ماده ۴۷) از همه مضحک تر، ماده ۲۶ این قانون است که فعالیت سندیکاها و اتحادیه های کارگری را منوط به موافقت دولت دانسته است. یعنی اگر دولت سندیکا یا اتحادیه ای را قبول داشته باشد، میتواند فعالیت کند.

"کلیه سندیکاها و اتحادیه ها و کنفدراسیون ها در موقع تشکیل موظف به تنظیم اساسنامه و تسلیم به وزارت کار جهت ثبت میباشند. وزارت کار در صورتیکه اساسنامه مغایرتی با این قانون و آئین نامه های مربوطه آنها نداشته باشد با ثبت آنها موافقت خواهد نمود" (ماده ۲۶) اما ماده ۲۹ هم سندیکاها و اتحادیه ها و کنفدراسیون ها را از حق دخالت در امور سیاسی منع کرده است و فقط اجازه داده که "در موارد حفظ منافع حرفه ای و اقتصادی

اخیرا" بیانیهی سندیکای کارگران شرکت ایران ترمینال که مدتی پیش بعد از یک اعتصاب طولانی بسرکارها زگشتند، بدست ما رسیده است که آنرا عینا درج میکنیم:

"هموطنان مبارز! ما کارکنان اعتصابی شرکت ایران ترمینال پس از ۳۵ روز اعتصاب شکوهمند بدنبال موافقتنامه ای که بین نمایندگان سندیکا و فرماندار مبنی بر تعقیب خواسته یحقمان از طریق مقامات مسئول امضاء شد، برای تحکیم ثبات در منطقه بسرکار بازگشتیم.

نگاهی به فعل و انفعالات و ترکیب درونی این شرکت مهر

کارگاههای خانوادگی هم طبق ماده ۷ این قانون، مشمول مقررات این قانون نخواهند بود. کارگران کشاورزی و خدمتیه و مستخدمین منازل هم "تابع" مقررات خاصی که به موجب قوانین جداگانه تعیین میشود خواهند بود. ۵۰۰ هزار کارگاه روستایی با جمعیتی حدود ۱ میلیون نفر....

برخورد این قانون به "تخلفات" کارفرمایان و ضمانت اجرای "قانون" کار، خیلی جالب است. طبق ماده ۱۵۸ این قانون، کارفرمایان که حقوق کارگران را پایمال کنند، "در هر مورد به پرداخت جریمه نقدی از هزار ریال تا ده هزار ریال محکوم خواهند شد، باید پرسید با کدام ضمانت اجرا؟ و این جرائم به حساب مخصوص دربانک ریخته خواهد شد و... تحت نظروزرکار و بموجب آئین نامه ای که به تصویب هیئت وزیران میرسد، جهت رفاه کارگران بمصرف خواهد رسید" (ماده ۶۳).

حقوق کارگران پایمال بشود با این امید که پس از جریمه کردن کارفرمایان، وجوهی که از این طریق بدست میآید "جهت رفاه کارگران" بمصرف برسد.

بیانیه سندیکای کارگران ایران ترمینال (آبادان)

تا نثیدی بر مبر زات حق طلبانه ی کارگران تحت ستم این شرکت انگیزه ی اعتصاب:

شرکت ایران ترمینال در سال ۱۳۵۴ با سرمایه گذاری مستقیم غلامرضا پهلوی و همکاری برادران پاکسیما و مدیریت عامل رضا نقیب ناسیس گردید و از این طریق صاحب سرمایه گذاری های کلان در شرکتهای "سی.من.پاک" و "پارس کانتینر" شد و ۱۷۰۰ نفر از محرومترین کارگران کرد و عرب توسط این شرکت به کار گرفته شد.

ما پس از استقرار دولت موقت انقلابی طی مراجعات و مکاتبات مکرر با قوام مدیر عامل سازمان بنادر، وزارت کار، وزارت راه و ترابری، دفتر نخست وزیر، دفتر آیت الله طالقانی، سازمان بنادر و کشتیرانی و غیره..... خواستار رسیدگی به وضع استخدام و رهایی از یوغ پیمانکاران شدیم. اما بی تفاوتی و بی مسئولیتی اولیای امور اعتراض ما را اجتناب ناپذیر نمود. ما دست به اعتصاب زدیم تا ریشه ی پلید بی عدالتی را در رژیم عدل بشکافیم. ما روزها زیر آفتاب گرم جنوب جمع شدیم و فریاد زدیم: "پیمانکار نابود است، کارگر پیروز است" و در مذاکرات نمایندگان ما با مسئولین گفتیم: "ما میخواهیم زیر پوشش اداره ی بندر قرار بگیریم، ما میخواهیم مستقیما از طرف دولت انقلابی خود شاغل باشیم تا سود عاید از کار ما به صندوق

بقیه در صفحه ۴

مصاحبه با یک کارگر کرد

آخرهای شهر سمنان بطرف کرمانشاه، پشت خانه های سازمانی، شرکتی کار می کنند بنام "آرتی پتکو". این شرکت در حدود ۵۰ نفر کارگر و تکنسین دارد، که از این تعداد در حدود ۲۰ الی ۴ نفر تکنسین هستند. اما اکثر کارکنان را کارگران ساده تشکیل میدهند. کارگرانی که در قسمتهای قالب بندی، بتن ریزی و آجرچینی کار می کنند. اکثر کارگران این شرکت از روستاهای اطراف سمنان هستند و در اصل کارگران کشاورزی و بی زمین و بلاخص دهقانان بی زمین روستاهای اطراف اند و اکثر زن و بچه هایشان در ده زندگی میکنند. به شرکت می رویم و با یکی از کارگران به صحبت می نشینیم. سر صحبت را که با زمی کنیم، سفره دلش را با زمی کند و می گوید:

۹ سال است که توی این شرکت کار می کنم. با روزی ۷ تومان شروع کردم و تقریبا با ۹ سال سابقه در حدود ۴۰ تومان حقوق میگیرم. این مقدار حقوق کفاف حداقل خرج زندگی ما را نمیدهد. بعلمت کم بودن حقوق، خانواده ام در ده زندگی میکنند و من مجبورم در شهر بمانم. با وجود اینکه سالها در ده زندگی کرده ام ولی یک قطعه زمین کوچک هم ندارم. با مقداری به زندگی ما کمک کند. با این حقوق کم ما مجبوریم، گندم را کیلوئی ۲۵ ریال بخریم. با حقوق تقریبا روزی ۴۰ تومان و گندم کیلوئی ۲۵ ریال، ۲۰۰ تومان برای کرایه خانه در شهر دیگر پولی برای تامین لباس و کفش بچه ها پیم

بقیه در صفحه ۴

پای درد دل رانندگان کامیون گرگان

حمل و نقل را ما خودمان نمی توانیم تعیین کنیم. بارها شده بخاطر اینکه ما پولی در آوریم زیر بار کمترین قیمت رفته ایم و این قیمت را تا جرین بازاری

رانندگان کامیون در ماههای اخیر با مشکلات فراوانی روبرو شده اند. یکی از این مشکلات کمبود لاستیک و در نتیجه بالا رفتن سریع قیمت آن در بازار است. برای

... و میتوان دو باید تصمیم بگیرد، یا دمیشود. تبصره ۲ ماده ۱۱ این قانون میگوید: "کارفرما میتواند ساعات کارها را در بعضی از روزهای هفته کمتر از هشت ساعت تعیین کند و در سایر روزهای هفته ساعات کار را اضافه نماید." و در صورت بروز حادثه و یا لزوم تعهدات ضروری در کارگاهها و ماشینها همچنین در موارد پیش آمدن قهریه (فرس ماژور) کارفرما میتواند استثنائات تمام یا قسمتی از کارگران را برای کار اضافی... نگاه دارد (ماده ۱۳) و کارفرمایان مکلفند مشاغل مختلفه کارگاه خود را از نظر مزد طبقه بندی نمایند (تبصره ماده ۲۲). و معلوم نیست که جابجایی کارگران و حقوق مسلم او به عنوان یک انسان که باید در این میان نقشی داشته باشد و اظهار نظری بکند، چیست؟

در این قانون، دولت به عنوان مدافع و حافظ منافع کارفرمایان، همه جا حضور دارد. مثلا در شورای کارگاه" نماینده وزارت کار در کنار نمایندگان کارفرما و کارگران حاضر است و تصمیم میگیرد (ماده ۳۸) و حتی عدم حضور نماینده کارگر (یا نماینده کارفرما) هم مانع این تصمیم گیری نمیشود و نماینده وزارت کار با اتفاق نماینده حاضر در جلسه مبادرت به صدور رای خواهد کرد (ماده ۳۹).

مورد دیگر، "هیئت حل اختلاف" است که باز هم سه نفر نمایندگان دولت در آن حضور دارند و در صورت تساوی آراء دسته ای که نماینده وزارت کار و جواز آنهاست قاطع خواهد بود (ماده ۴۰). در شورای عالی کار" نیز که وظیفه اش "عبارت از تصویب و تأیید آئین نامه های اجرائی این قانون و انجام سایر وظائفی که بموجب مواد این قانون و سایر قوانین و آئین نامه های مربوط به عهد شورای عالی کار و اقرار شده است، سه نفر نماینده دولت باید حضور داشته باشند (ماده ۵۴).

در موارد زیادی هم، خود دولت بدون حضور نمایندگان کارگران را "در باره مسائل کارگری تصمیم میگیرد. مثلا،

در امور سیاسی منع کرده است فقط اجازه داده که "در موارد حفظ منافع حرفه ای و اقتصادی خود" بتوانند نسبت به احزاب سیاسی اظهار تمایل و با آنان همکاری نمایند.

در این قانون، اسمی از "حق کار"، "بیمه بیکاری"، "حق اعتصاب" و... برای کارگران برده نشده است و فقط در تبصره الحاقی به ماده ۴۵ (مصوب ۴۳/۱۱/۲۵) در تعریف "اختلاف دسته جمعی"، اشاره ای هم به "اعتصاب" شده است، آنهم نه بعنوان یک "حق"، بلکه به عنوان چیزی که ناشی از اختلافی است که روابط بین کارگران و کارفرما را در کارگاه مختل ساخته."

این قانون، با "محروم کردن نیروی عظیمی از کارگران بخش های مختلف از منافع و مزایای" این "قانون" یک عامل بزرگ ایجاد تفرقه و چند دستگی در بین کارگران کشور است که ناشی از ترس طبقات حاکمه و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، از وحدت و یکپارچگی طبقه کارگر ایران، بوده است.

تبصره ۱ ماده ۶ این قانون به وزارت کار حق داده که "کارگاههایی را که دارای کمتر از ده نفر کارگر هستند از معمول قسمتی از مواد این قانون معاف نماید". یعنی نزدیک به ۲۰۰ هزار کارگاه صنعتی و حدود یک میلیون کارگر را که در حد خود مسائل و مشکلاتی دارند، بحال خودرها میکند. همچنین، تبصره ۲ این ماده، کارگران ماهیگیر و ملاحان و کارکنان کشتی ها و فرودگاهها و خلبانان و مامورین فنی و کارکنان داخل هواپیما یا کارگرانی که طرز کارشان بنحوی است که قسمتی یا کلیه مزد و درآمد آنها بوسیله مشتریان یا مراجعین تامین میشود و کارگران بنادریه یا مورتخلیه یا بارگیری کشتیها میباشند، و همچنین کارگرانی که کار آنها نوعا در ساعات متناوب انجام میگیرد" از معمول این قانون خارج اند.

رفاه کارگران" بمصرف برسد !!

به اعتقاد ما این قوانین ظالمانه، یکطرفه، یزیدگر و رگروبه نفع سرمایه داران وابسته بوده است. با انهدام نظام شاهنشاهی و قطع ریشه وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم و جلوگیری از فعالیت سرمایه داران بزرگ و وابسته، این قوانین ارتجاعی، ضد کارگری و استثمارگرانه هم باید بدور ریخته شوند. شرایط انقلابی جامعه ما قوانین خاص خود را میخواهد. قوانینی که در شرایط فعلی بر روابط کارگری جامعه ما حاکم باشد، باید: اولاً - کارگران را به عنوان یک نیروی عظیم و تعیین کننده بحساب بیاورد، حقوق انسانی آنها را در نظر بگیرد و منافع آنها را تا سرحد امکان تامین نماید. ثانیاً - در تهیه این قوانین، باید خود کارگران و نمایندگان آنها شرکت مستقیم، فعال و موثر داشته باشند.

ثالثاً - در هر شورا، هیئت، شورای عالی و هر ارگانی که درباره مسائل کارگری و محیط کارخانه یا کارگاه تصمیم میگیرد، باید خود کارگر حضور داشته باشد و در هر مورد رأی تصمیم بگیرد.

رابعاً - قوانینی که تهیه میشود باید در برگیرنده کلیه کارگران کشور (صنعتی، کشاورزی، کارخانه بزرگ، کارگاه صنعتی کوچک، کارگاه روستائی، مجتمع های غیر کارگاهی و...) باشد.

خامساً - نقش دولت باید به سطح یک ناظر بیطرف و نه یک پای دعوا تنزل یابد. روابط کارگران و کارفرمایان باید از طریق مذاکرات مستقیم و رودر روی سندیکا های کارگری و کارفرمایان ملی صورت بگیرد. دولت هیچ وجه حق رای و تصمیم گیری و دخالت در این رابطه را ندارد.

تازمانی که چنین کاری صورت نگرفته است، باید از اجرای قوانین ظالمانه و ضد کارگری سابق بشدت اجتناب و جلوگیری کرد و اختلافات موجود بر اساس مذاکره بین نمایندگان کارگران و کارفرمایان حل و فصل گردد.

شده است. یعنی در صورت اجرای لاستیک و در نتیجه بالا رفتن سریع قیمت آن در بازار سیاه است. برای اینکه با مشکلات رانندگان از نزدیک آشنا شویم با چند نفر از آنها و از جمله نماینده سندیکای رانندگان گرگان به صحبت نشستیم. یکی از رانندگان میگفت: "من الان یکماه است که کامیونم را خوابانده ام چون پول ندارم لاستیک ۴۲۰۰ یا ۶۰۰۰ تومنی بخرم. (قبل از انقلاب قیمت لاستیک ۳۲۰۰ تومان بود). تازه اگر هم بتوانم بخرم برایم مصرف نمی کند چون قیمت حمل و نقل همان است که قبلا بوده. البته بعضی از راننده ها از لاستیکهای کهنه با کمی تعمیرات استفاده می کنند ولی این کار خطرناک است جانی برای ما دارد. در تابستان امکان ترکیدن لاستیک زیاد است و بخاطر همین احتیاج به لاستیکهای نو داریم. ما قبلا برای خرید لاستیک قسطی پول میپرداختیم ولی حالا لاستیک گران را باید حتما نقد بخریم."

راننده دیگری میگوید: "قیمت

زیر بار کمترین قیمت رفته ایم و این قیمت را تا جرین با زاری ما تعیین می کنند. آنها می گویند: "اگر نمی بری ما با قطار می فرستیم". الان با بالا رفتن قیمت لاستیک، قیمت حمل و نقل تنهها زیاده شده بلکه بعضی وقتها کم هم می شود."

راننده دیگری می گوید: با این شرایط بعضی از رانندگان حاضر نیستند مسیر دور را بپیمایند. و چنانچه این جریان ادامه یابد امکان خوابیدن تمام کامیونهاست. این افزایش قیمت فقط برای لاستیک نیست بلکه لوازم یدکی و بخصوص باطری هم همین وضع را دارد. اوسیس اضافه می کند: "تنها فصلی که رانندگان می توانند درآمد داشته باشند تابستان است و اگر نتوانند تابستان کار نکنند، شرایط بدی برایشان پیش خواهد آمد و رد، که جوابگوی قرضهایشان نخواهد بود. اکثر رانندگان بخاطر خرید بقیه در صفحه ۴

مشکلات و خواستهای

روزنامه فروشان شیراز

ملکیشان با خیرسوند، اگر دکه ها را بر دارند کسی که روزنامه میخواند برای گیر آوردن روزنامه باید به کجا مراجعه کند؟ ما حرفمان این است که این مطبوعات را همه حتی در دوره طاغوتی که قانونی برای کیوسک ها نبود، این کیوسک های مطبوعاتی وجود داشتند. در حال حاضر وضع کیوسک داران طور نیست که هر کدام باید خرج چند سکه را بدهند و الان که حکومت اسلامی است و حکومت مردمی است، باید وضع بهتر باشد. چون ارتجاع است که میخواهد فرهنگ مردم هیچ وقت رشد نکند و اگر که ما ارتجاعی نیستیم و میخواهیم که فرهنگ مردم خدمت بکنیم باید مطبوعات باشد و بیشتر هم باشد.

سؤال میکنم: "قبلا چکاره بودید؟"

بقیه در صفحه ۴

در شیراز صحبت از برداشتن دکه های روزنامه فروشان و بساط اندازهای اطراف خیابان زنده است. روزنامه فروشان و بساط اندازهای اطراف خیابان از زحمت کشان جامعه ما هستند که در اثر بی پولی، در اثر تعطیل شرکتهای خانه سازی و جاده سازی ناچار بوده این شغل آورده اند و از فروش چند کتاب، روزنامه، سیگار و غیره، امرار معاش می کنند.

پای صحبت چند نفر از روزنامه فروشان می نشینیم. یکی از آنها با اسم محمد بهاری سؤال می کنیم: نظر شما در مورد جمع آوری دکه ها چیست؟ "حساب می دهد: مطبوعات چیز است که فرهنگ یک اجتماع خدمت می کند. سر هر محلی باید یک مطبوعاتی باشد تا مردم از اخبار و اطلاعات

مشکلات و...

بقیه از صفحه ۳

حواب می دهد: "تا حالا رسال پیش روزنامه می فروختم، قبلا در همین محل میزداشتم. از یک سال پیش درخواست دادم به اداره ای اطلاعات، شهردار قبلی اجازه داده بود که اگر سرمعتبر باشد کاری نداریم و چون دوران انقلاب بود من نتوانستم حواز کسب بگیرم. سؤال کردیم: "متاهل هستید؟" جواب داد: "بله، چهار سرعائله دارم و از درآمد همین دهک است که آنها را غذا می دهم و اگر این کیوسک ها را بردارند، نمی دانم چه بکنم. لابد باید دزدی بکنم چون از لحاظ جسمی ناتوان هستم و کار دیگری از من ساخته نیست. بطوریکه حتی ۵ کیلو بار را نمی توانم جا بجا کنم. شما قضاوت کنید تکلیف ما چیست؟ میپرسم: آیا کار دیگری به تو بدهند حاضری کار کنی؟" جواب می دهد: اگر کاری که بتوانم انجام بدهم بمن بدهند که خرج خانواده ام را بتوانم تامین بکنم، البته حاضرم. من ماهی ۶۰۰ تومان کرایه خانه میدهم.

س: نظرت راجع به دولت و جمهوری اسلامی چیست؟

ج: بنظر من دولت خیلی هم بی حال است، یک دولت انقلابی باید تمام کارهایش انقلابی باشد مثلاً معتقدم که رادیو تلویزیون می تواند که در فرهنگ مردم نقش مهمی داشته باشد اما چنین عمل نکرده است.

سؤال می کنیم: "پیامی برای دیگر کیوسکداران داری؟" میگوید: چرا، بنویسد انجاده داشته باشد چون پیروزی در اتحاد است. یکی برای

مصاحبه با یک

بقیه از صفحه ۳

نمی ماند، حتی نمی توانیم مدت های طولانی یک لقمه گوشت بخوریم.

در مورد بیمه میگفت: "بسیار وجودی که ۹ سال است کار می کنم تازه بیمه شدم. در اینجا فقط در حدود ۱۲ نفر بیمه هستند، بقیه بی علت اینکه تازه شروع بکار کرده اند، بیمه نشده اند.

در قانون کار گفته شده است که تعطیلات رسمی را پول بدهند و جمعها معمولاً تعطیل باشد و...

همه و همه برای یکی. مثلاً بعضی از روزنامه ها که حق ما را میخورند اگر متحد باشیم میتوانیم حقمان را بگیریم." و اضافه می کند: "حق گرفتنی است و نه دادن."

روزنامه فروش دیگری چنین می گفت: "من قبلاً در یک شرکت ساختمانی کار می کردم. در آن سال گذشته که انقلاب ایران به اوج خود رسیده بود، مسئولین آن شرکت از ایران فرا کردند و آن موقع تا یک ماه پیش من که صاحب زن و چند فرزند هستم برای امرار معاش آنها از اطرافیان پول قرض می گرفتم تا بالاخره یکماه پیش بهر صورتی که بود توانستم ۲۵۰ تومان تهیه کنم و این دهک را درست کنم. کارم اینجا فروختن روزنامه، سیگار و کبریت است و از این راه خرج زن و فرزندم را فراهم می کنم. بدبختانه از یکی دو هفته پیش شهردار شیراز با دستاویز قرار دادن "زیبائی شهر" میخواهد که مانع کسب و کار ما شود و میگوید که شما باید دهکها را بردارید چون به زیبائی شهر لطمه میزنید! سؤال ما این است که آقای شهردار آیا آقای بازرگان برای شما شکم گرسنه زن و فرزندان ما مهمتر است یا زیبائی شهر شیراز؟"

ما معتقدیم تا زمانی که اشتغال در سایر رشته ها بوجدنیافته باشد شهرداری و دولت نباید هیچ وجه از کسب این روزنامه فروشان زحمتکش جلوگیری کند، و بطور کلی تعداد دهکها و جواز کسب باید با مشورت اتحادیه روزنامه فروشان تعیین گشته و صادر شود. اینجا د تقویت اتحادیه روزنامه فروشان کاری است که در دستور روز این صنف زحمتکش قرار دارد.

میخوای با این حقوق بسازی بساز و اگر نمی خوای برو بیرون، کارگر صد تاییه غازه." این ناراحتی ها و در دسر ها مال همه کارگرها است و فقط مال من نیست.

در مقایسه وضع قبل و بعد از انقلاب می گفت: "بعد از انقلاب ما احساس راحتی میکنیم برای اینکه کارفرما و سرپرست نمی توندند زیاد زور بمان بکن و به ما توهین کنند و روبه سرپرستی که در آنجا حضور داشت می کند می گوید: این آقای رسال نم، گذاشت یک لحظه بیکار باشیم

رنجبر

راه سرخ «بشیر»

بقیه از صفحه ۸

کاک محمود خاطره مقاومت "تل زعتر" را بیاد میآورد. به بالای سنگی میرود و با تمام شور و شوق شروع به نطق میکند. برای پیشمرگه ها میگوید که انقلاب خلق کرد طولانی است.

در آن شکستها و سختی های زیادی وجود دارد، خلق کرد با دشمنان غداری چون امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و ارتجاع منطقه رو بروست ولی پیروزی خلق کرد حتمی است. کاک محمود از منطق خلق، منطق مقاومت و مبارزه سخن میگوید و سخنان او آتش سی در وجود پیشمرگه ها بر میافروزد.

همین خاطرات ساده و پراکنده پیشمرگه های هم سنگر رفیق بشیر، عظمت روحیات عالی انقلابی و کمونیستی او را بیان میکنند. این روحیات عالی انقلابی که از یک فرزند کار و زحمت شکوفا شده بود، از همان بشیر آبادانی، همان بچه احمد آباد که برادرش تعریف کرده بود، از این رفیق بی تکلف و ساده، نمونه یک قهرمان انقلابی و یک کمونیست راستین را بیادگار گذاشت. امروز انقلاب مبین ما قدمهای استواری را پیموده است. ما همچنان در مبارزه بخاطر رهایی کامل زحمتکشان و خلق به پیش میرویم. در این راه ما از رفقای چون بشیر میا موزیم و راه سرخ و انقلابی اش را مصمانه ادامه میدهم. راه پر پیچ و خم است و مشکلات بسیار رندا ما آئینده ای روشن و تابناک در انتظار خلقها و زحمتکشان مبین ماست.

پیام اتحادیه

بقیه از صفحه ۸

رفیق نمونه وحدت مبارزه جوانه انقلاب خلقهای ایران، کردستان و فلسطین بود.

رفیق محمود پیام آور همبستگی و وحدت خلقهای ایران و عرب و کردستان بود. از این جهت است که نامش همیشه و تا ابد زنده بوده و میدرخشد و تاریخ خلقهایمان هرگز فراموش نمیکند. خون پاکش، درخت آزادی خلقهایمان را علیه امپریالیسم، صهیونیسم و دیکتاتوری سیاه را آب داده و بزودی ثمر خواهد داد.

قیام ۳۰ تیر

بقیه از صفحه ۱

مترقی و توده ای ها در عمل به نبرد با ارتجاع و امپریالیسم برخاستند و با رنگین ساختن خیابانهای تهران، با خون خود و دروختی فشرده پیوزی دشمنان ایران را بخاک مالاندند و بار دیگر دکترا مصدق زمام امور دولت را بدست گرفت و قدرت توده های خلق و نتیجه ی وحدت عمل آنها یکبار دیگر با جلال و جبروت خود را نمایان ساخت.

امروز در آستانه سالگرد سی ام تیر ماه انقلاب پیروزمند ما، به رهبری امام خمینی، با مشکلات رو برو گردیده است.

* ابرقدرت های آمریکایی و شوروی و عمالشان به اشکال گوناگون بطورینها و اشکار در امر ادامه ی انقلاب اخلاص می کنند. هدف آنها تشدید هرچ و مخرج و در تحلیل نهائی کشاندن انقلاب کنونی ما به شکست یا تسلیم است. اینها دشمنان قسم خورده ی طبقات و اقشار خلقی اند، مخالف استقلال کشورند و تلاش می کنند تا به هر نحو که شده از اتحاد بزرگ ملی که در جریان انقلاب شکل گرفت و در آستانه پیروزی انقلاب به اوج خود رسید، جلوگیری کنند.

* سرسخان ضد کمونیست و ضد مذهب. این سرسخان که تلاش دارند جنگ مسلکی و مذهبی را دامن زنند، در عرض چند ماه گذشته با سوء استفاده از ایمان مسلکی و مذهبی قشریون هر دو جناح که زیر پوشش "چپ- دمکرات" و "اسلام عمل می کنند، قادر شده اند در صفوف اتحاد بزرگ ملی انشعاب و تفرقه بوجود آورند. صف آرائی دوست و دشمن را نه با معیار سیاسی و ضد امپریالیستی بلکه با معیار مذهبی و ضد مذهبی مشخص کنند و باید گفت در این امر تا اندازه ای هم موفقیت بدست آورده اند.

* گرایش انحرافی "چپ" هم در بهم زدن اتحاد بزرگ ملی نقشی بعهده داشته و با عدم تشخیص تضاد عمده در مرحله کنونی - مبارزه علیه امپریالیسم آمریکایی و روس و عمالشان، به جنگ رهبری فکری و اجرایی انقلاب برخاسته و در این امر از انتقاد با قلم پا را فراتر گذاشته و انتقاد با اسلحه را مجاز می شمارند.

و سوسیالیسم متما یلند، و رو ر یکپارچگی توده های وسیع از ملیتهای مختلف ایران تبدیل نمائیم.

در این رهگذر تاریخی روی سخن ما ن با مردم کوچه و بازار، توده های که نقش قاطع و تعیین کننده را در کلیه ی حرکت های انقلابی ایران داشته اند، توده های که هزاران هزار شهید دادند، توده های که امپریالیستها دسترنج و کار آنها را جیا ول کردند، توده های که برای فراهم ساختن تغییراتی در زندگی شان بمعنی واقعی احتیاج به آزادی دارند، توده های که تاریخ کشورمان را ساخته اند ولی هیچگاه در اداره ی آن نقشی نداشته اند. به توده های که در سراسر ایران کار می کنند، زحمت می کشند، و خرج این جامعه را هم دوش دیگر برادران و خواهران خود بجلومی رانند، روی سخنان به آنهاست که وضع را دریا بند، برهوشیاری خویش بیا فزایند بار دیگر بر خیزند، ایران بحران زده را تکان دهند و توطئه های چیده شده را درهم شکنند. برخیزند تا با دیگران زوان میلیونی و توانای خود را محورا اتحاد بزرگ ملی قرار دهند و از بازاری گرفته تا روستا و شهر، از روحانی گرفته تا دانشگاهی از سرباز گرفته تا افسر، از کارگر گرفته تا دهقان، همه و همه را با مسلکها و مذاهب گوناگون زیر یک شعار "زنند به اتحاد بزرگ ملی" بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی جمع نمایند.

باید هوشیار بود، باید دوران دیشی انقلابی داشت، باید توطئه های مختلف ابرقدرتها و عمالشان را باز شناخت و باید روی اتحاد بزرگ ملی در عمل یا فشاری کرد. باید سی ام تیر ماه را نه به میدان جبهه و توطئه گران بلکه به میدان بزرگ تجلی اراده ی توده ها، اراده ی اتحاد بزرگ ملی درست بخاطر قطع نفوذ امپریالیستها و درهم شکستن توطئه های آنها تبدیل نمود. نباید گذاشت جنگ ما با دشمنان خارجی یعنی دوا بر قدرت آمریکا و روس و عمال آنها به جنگ داخلی بین خودمان تبدیل شود و هر کسی که به چنین جنگی دست

کرده اند، بیمه نشده اند.

درفاقان کار گرفته شده است که تعطیلات رسمی را بول بدهند و جمعه ها معمولاً تعطیل باشد ولی با وجودی که در ایران انقلاب شده، هنوزاً زیرداخت بول تعطیلات رسمی ما خیری نیست. ولی جمعه ها را تعطیلی داریم که قبلاً یک جمعه کاری می گردیم و یک جمعه تعطیل بودیم. حالا هم اگر یک روز در اواسط هفته بد زمان هم بمیرد و کار داشته باشیم و سرکار نیایم، حقوق روز جمعه را با ما نمی دهند و در صورت اعتراض به این مسئله ما را بیرون می کنند. ما سه نفر از بین خودمان انتخاب کرده بودیم که برای ما حرف می زدند، آنها را یکی یکی بعنوان اخلاک پرور کردن و حالا کارگران به من میگویند بیا برای ما حرف بزن (نماینده ما باش) ولی من قبول نمی کنم، می ترسم بیرونم کنند. قبلاً که کار زیاد بود من از اخراج نمی ترسیدم، هر جا که میخواستم می توانستم کار پیدا کنم ولی حالا بیکاری زیاد شده و حرف که بزنی، کار فرما میگه اگر

بگن وبه ما تو همین کنند و روبرو به سرپرستی که در آنجا حضور داشت می کند و می گوید: این آقا پارسل نمی گذاشت یک لحظه بیکار باشیم اما سال با ما شوخی می کند. در مورد خواست اولیه شان از دولت شرکت می گفت: ایجاد امنیت برای کارگران و همه مردم که بتوانند بی دردسر زندگی کنند که اگر حرف ما را می زنیم بروی ما اسلحه نکنند. دیگر آنکه مزد ما کم است. اینو زیاد کنند و تعطیلی های رسمی را برای ما امضا کنند. ما خواهان این هستیم که بوضع مسکن ما رسیدگی شود.

در مورد کار سندیکا می گفت: ما نمی دانیم سندیکا چیه؟ ما هر وقت شکایتی داشته باشیم به اداره کار رجوع می کنیم، شما الحمد لله هر کار بخواییم می تونیم بکنیم. ما که روشنفکر نیستیم. هر کاری بکنیم حالا شما باید به ما کمک کنید و ما هم در این کار پشت شما هستیم.

ما میوون بد هکار روزی قرض اند. سؤال می کنم: شنیده ام شما هار دفعه که برای جنوب بار میزنید، ۱۵ الی ۲۰ هزار تومن در آمد دارید درست است یا نه؟ یکی از آنها جواب میدهد: درست است ولی این ظاهر قضیه میباشد چون خود من در ماه ۱۲ هزار تومن بد هکارم و تریلی دارم. قسم میخورم که هر دفعه به جنوب میروم ۴۵ روز الی ۵۰ روز در راه هستم (رفت و برگشت) و حتی بارها شده که وقتی بر میگردم بچه ام من را نمی شناسد. از این ۲۰ هزار تومن که شما میگوئید ماهی ۱۲ هزار تومن قسط خرج کامیون - غذا - خرج شاگرد - خرج منزل و اجاره را کم کنید ببینید چی برای ما میماند. بخدا قسم هنوز هم نزول قرضها را می دهیم. راننده های دیگری میگویند: بچه ام در آتش سوخت و من از مسافرت آمدم و او را شناختم ما هیچ چیزمان درست نیست ما نمیدانیم کجای این انقلاب قرار

خون پاکش، درخواست آزادی خلقها یمان را علیه امپریالیسم صهیونیسم و دیکتاتوری سیاه را آب داده و بزودی ثمر خواهد داد. عمر طولانی برای همزمان رفیق محمود و پیروزی انقلاب و سربلندی سازمانش را آرزو میکنیم جلال طالبانی

بیانیه سندیکای

بقیه از صفحه ۳

دولت انقلابی بریزد و از آن طریق صرف بهبود وضع مردم شود ولی هرگز به ما پابرهنگان و سوختگان زیر آفتاب بندر بها ئی ندادند. دلایل بازگشت به کار:

تبلیغات مغرضانه مرتجعین و عوامل پیمانکاران راه را بر ما تنگ می کرد. ما را که برای از میان برداشتن شرائط ظالمانه بهره کشی دو گانه از طرف پیمانکار و اربابان حاکمش مبارزه میکردیم ضد انقلاب و اخلاک گر نامیدند. اما ما نهرا سیدیم و فریاد زدیم: "اعتصاب ما در جهت تحکیم دولت موقت انقلابی است" تا اینکه توطئه های خائنانانه مرتجعین و ضد انقلابیون که برای بقاء و بهره کشی مجدد از طریق همین تاسیسات ظالمانه کوشش می نمودند، خرمشهر را به جنگ داخلی نا خواسته گشاندند. ما برای تثبیت موقعیت آشفته منطقه که باز هم آثار شوم همین مرتجعین بر آن نقش بسته است به سرکارها یمان باز گشتیم تا نشان دهیم که ما بر علیه آنها می جنگیم و نه در جهت منافع آنها. بدون شک مبارزه ما بر علیه

همه اقشار و طبقات خلقی، در انقلاب سهیم بوده اند و آنها هم چندین ماه کارهایشان تعطیل بوده است آنچه را که در بالا رانندگان گفته اند گوشه ای از مشکلات و سختی های روزمره آنان بود که باید توجه گردد امیدواریم سندیکای آنها هر چه زود تر مستحکم گردد و گسترش یابد و از طرف دیگر همان طور که خود رانندگان گفتند دولت در مورد چنین کمبودهایی باید تصمیماتی اتخاذ نماید.

فکری و اجرایی انقلاب برخاسته و در این امر از انتقاد با قلم پا را فرا تر گذاشته و انتقاد با اسلحه را مجاز می شمارند. * در رهبری فکری و اجرایی انقلاب هم اندیشه سیاسی است انحصار طلبی، یک ایدئولوژی، یک حزب و یک رهبری عملی را یط را برای رشد این حرکت هرج و مرج طلبانه مساعد ساخت تا بجائی که امروز ما با یک بحران بزرگ سیاسی روبرو هستیم. برای تمام مردم این سؤال مطرح گردید، انقلاب ایران به کجا می رود؟ آمریکا و عمالش باز می گردند؟ شوروی و عمالش قدرت را بدست می گیرند؟ نیروهای استقلال خواه و مستقل از این دو بر قدرت امپریالیستی، صرف نظر از وابستگی های مذهبی و مسلکی، طبقاتی با هم با ردیگر متحد میشوند و علیه دشمنان مشترکشان مبارزه را ادامه خواهند داد یا نه؟

اگر آموزشهای بدست آمده با خون روز تاریخی ۳۰ تیر ماه ۱۳۳۱ را در نظر بگیریم باید راه سوم را انتخاب کنیم و روز سیام تیر ماه را به روز اتحاد بزرگ ملی، روز اتحاد نیروهای سیاسی که به اسلام مبارز، ناسیونالیسم مترقی

پیمانکاری که عامل ظلم و ستمی است، قدمی خواهد بود در راه به ثمر رساندن انقلاب شکوهمند مردم ایران. ما برای برقراری آرامش و اثبات حقانیت خود به سرکار باز گشتیم تا مشت محکمی بر دهان مرتجعین و آنهایی که تلاش میکنند با آشفتگی و عدم ثبات منطقه به اربابان شان خشوش خدمتی کنند بگوئیم.

پیروزی از آن کارگران است سندیکای کارگران شرکت ایران ترمینال خرمشهر ۵۸/۳/۲۲

تصحیح

در گزارش مربوط به اداره راه و ترابری گرگان (رنجبر-۱۶) نادقتی هایی وجود داشت که به بدینوسیله تصحیح میگردد: - صفحه سوم سطر ۲۴ از "دردل لطیف" در آن زمان رئیس اداره

دست ان خارجی یعنی دو به قدرت آمریکا و روس و عمال آنها به جنگ داخلی بین خودمان تبدیل شود و هر کسی که به چنین جنگی دست می زند با یدرسوا شود، هر کسی که به مشاطه گری آمریکا یا روسیه به پیردازد باید منفرد و از صحنه انقلاب کشور ما بدور انداخته شود. امام خمینی با ردیگری اتحاد بزرگ ملی تاکید می کند، بار دیگر همه نیروها را به اتحاد دعوت می کند، با ردیگر علیه تفرقه افکنی ها سخن می گوید. باید به ندای او پاسخ مثبت داد و در عمل روی اتحاد خلقی پا فشاری کرد. بکوشیم تا روز سیام تیر ماه را با ردیگر به روز تجلی اتحاد بزرگ ملی بخاطر استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی تبدیل کنیم.

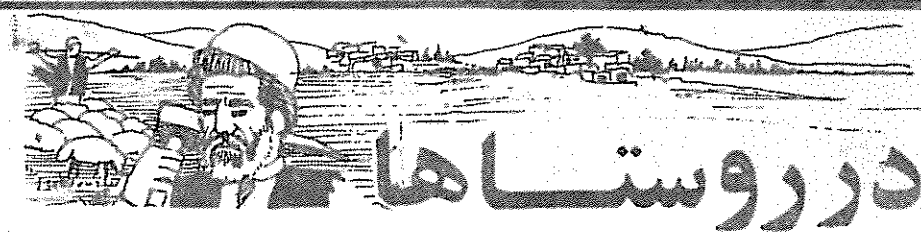
گرامی باد خاطره شهیدان ۳۰ تیر ۱۳۳۱. درود به روان دکتر محمد صدق رهبر ملی و ضد امپریالیست ایران. براغراشته باد پرچم شکوهمند اتحاد بزرگ ملی. سازمان انقلابی ۱۳۵۸/۴/۲۰

* نامه جوانان قشقالی

بقیه از صفحه ۵

تا این عاملان سرسپرده رژیم منفور پهلوی را هر چه زود تر دستگیر نمایند و به سزای اعمال ناشایست خود برسانند و از آن موسسه محترم تقاضا میشود که در انتشار این آگهی کوتاهی نفرمائید تا سراسر مشقی برای دیگران باشد و السلام "جوانان مبارز ایل قشقالی فارس"

احمد کمیلیان نبوده بلکه شخص دیگری بوده است. - صفحه ۴، ستون ۵: ربح دادن بول صندوق مربوط به کل اداره بوده است. - صفحه ۴، ستون آخر: آقای سوادکوهی مطلبی در مورد "دیبا" نگفته بلکه کارمند دیگری در این مورد صحبت کرده است.



در روستاها خواستهای مردم گشت (بلوچستان)

گشت، یکی از بخش‌های سراوان و در ۷۵ کیلومتری آن واقع است. فاصله زاهدان تا سراوان ۳۶۰ کیلومتر است که فقط ۱۷۰ کیلومتر آن (تا خاش) آسفالت می‌باشد. با شنیدن نام بخش، به فکر جایی پرجمعیت و آباد می‌افتیم. اما بخش‌ها در سیستان و بلوچستان و خصوصاً در بلوچستان، جاییست شبیه به یک گوره ده که از امکانات اولیه زندگی، خدمات بهداشتی و فرهنگی و اجتماعی چندان بهره‌ای ندارد.

گشت از بخش‌های آبادتر بلوچستان می‌باشد چرا که لااقل برای ۶ ساعت در شبانه‌روز برق دارد. البته اگر موتورش را روشن کنند و عیبی پیدا نکنند. در اکثر بخش‌ها و روستاهای بلوچستان از برق و آب‌خبری نیست.

۵ تا ۶ هزار نفر جمعیت دارد با یک درمانگاه که پزشکش هر چند هفته یکبار به آنجا سری می‌زند که با آن‌بوه بیماران به تمام آنان هم نمیتواند برسد. این پزشکان اغلب پاکستانی یا هندی هستند. اگر کسی بیمار شود، مجبور است به سراوان برود که آنجا هم وضع چندان خوبی ندارد.

مردم گشت اکثراً از لحاظ اقتصادی بسیار فقیر هستند. کار وجود ندارد. با آنکه زمین‌های گشت و منطقه برای کشاورزی مساعد هستند، آب به آنها نمی‌رسد. عدم توجه مسئولین در گذشته و حال به کشاورزی منطقه باعث شده است تا کشاورزی روبه نابودی بگذارد. در اطراف گشت رودخانه وجود دارد که سطح آن پائین‌تر از سطح زمینهای کشاورزیست.

زور بیکاری برای یافتن کار راهی کشورهای عربی میشوند و یا به گاهای فصلی در سراوان و بندرعباس و یا نقاط دیگر کشور می‌پردازند. محصولات کشاورزی گشت و اطراف آن، گندم و ذرت است که کفاف مردم آنجا را نمیدهد و مردم ناچارند نیازهای خود را از شهرهای پاکستان تهیه کنند. در گشت یک کارگاه کوچک پارچه بافی وجود دارد که پیش از یکسال است تعطیل شده است. این کارگاه را با اصطلاح برای از بین بردن بیکاری و بهبود وضع اقتصادی مردم ساخته بودند حال آنکه فقط ۱۵ کارگر بیشتر نداشت که بهرکدام روزانه فقط ۷ تومان مزد می‌دادند. نخ و مواد اولیه را هم از یزد و یا پاکستان تأمین میکردند و پارچه‌های بافت آن هم برای مردم آنجا قابل استفاده نبود. دیگر کمبود دبستان و مدرسه راهنمایی است که اغلب با کمبود معلم و دبیر مواجه است، این امر باعث میشود تا بسیاری از کودکان به مدرسه راه پیدا نکنند. مشکلات زندگی، روز بروز مردم بلوچستان را فقیر و فقیرتر میکند. عدم رسیدگی سریع به کمبودها و نیازهای مردم بلوچستان و بخش‌ها و روستاهای آن، باعث نابودی هرچه بیشتر کشاورزی و نیروی عظیم کارمردم میشود.

چندی پیش مردم گشت طی یک گردمایی، خواسته‌های خود را بشرح زیر اعلام کردند.

خواستهای مردم گشت

هم اکنون که انقلاب ایران با مبارزات پی‌گیر مردم ایران به پایان رسیده است، باید

خواستهای عادلانه کشاورزان شهرک امام خمینی (دزفول)

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۳۵۸/۳/۲۷

ریاست محترم اداره کشاورزی شهرستان دزفول .
به استحضار مبارک میرساند اینجانبان کشاورزان شهرک امام خمینی، چندین سال بر اثر برنامهای خانمانسوز و اصلاحات ارضی، با از بین بردن کشاورزی ایران بخصوص خوزستان، و دادن جای خودبه‌شکرتهای کشت و صنعت خارجی، کشاورزی ما را نابود کرده و ما را آواره ساخت، روبرو هستیم .

ما کشاورزان که عمری بر روی این زمینها زحمت کشیدیم و توانستیم مملکت خود را از لحاظ محصولات کشاورزی تأمین کنیم .
همانطوری که اطلاع دارید، ما قبلاً با وسایل ابتدائی کشاورزی میتوانستیم با هزینه کم، محصولات زیادی بدست بیاوریم و با آن وسایل کشاورزی ابتدائی، سالی هم دوبار از زمین استفاده میکردیم و در زمین کشت بهاره و پاییزی انجام میدادیم و علاوه بر خودکفائی کشور، میتوانستیم محصولات خود را به خارج صادر کنیم .

اما متأسفانه می‌بینیم که شرکت‌های کشت و صنعت که موروث رژیم مزدور سابق میباشند با سرمایه کلان و با مدرن‌ترین امکانات و وسایل کشاورزی و با برخورداری بودن از بهترین تکنولوژی پیشرفته، در تولید محصولات کشاورزی به پائین و به حداقل رسیده اند و دوا سالی هم یکبار نمیتوانند از زمین استفاده کنند.

در سال کم‌تر از ۲۰٪ زمینها زیر کشت نمیروند و زمینهای حاصلخیز بلا استفاده مانده اند. این درست یکی از دلایل ما بود که در نامه قبلی خواستار انحلال این شرکتها شده بودیم. ولی پس از گذشت بیش از یکماه هنوز جواب

نامه‌ی ما و نظرایین اداره نسبت به خواستهای بحق ما نرسیده و وضع بیکاری بمافشار می‌آورد و در حالی که زمینهای زیادی چه مسطح و غیر مسطح در اختیار این شرکتها، بدون کشت و کار، باقی مانده اند. البته طبق آمار فوق فقط ۲۰٪ این زمینها مورد استفاده این شرکت‌های خارجی، مثل شرکت ایران شلکات، هستند.

پس از ملاقات با یکی از مسئولین این شرکت‌های خارجی، قرار بر این شد که فعالیت این شرکت سیاست دولت انقلابی موقت اسلامی را جمع به کشاورزان روشن نیست، کشاورزان میتوانند زمینهای غیر مسطح استفاده نمایند، به شکل اجاره بمدت ۶ ماه به بهای هر هکتار ۶ تومان، که این بها بعنوان مصرف آب به سازمان آب و برق خوزستان پرداخت شود و با در نظر گرفتن اینکه توافق شد که این شرکت‌های خارجی زمینهای غیر مسطح خود را به شهرکهای مجاور واگذار نمایند.

ما کشاورزان پس از دوندگیهای زیاد، جواب شرکتها از جمله شرکت ایران شلکات این بود: ما زمین اضافی نداریم و زمینهای غیر لازم را که غیر مسطح بوده اند به اداره کشاورزی واگذار کرده ایم. اگر ما میل هستیید از زمینهای غیر مسطح استفاده کنید میتوانید به اداره کشاورزی مراجعه کنید.

و اما پس از تحقیق و دوندگی زیاد، از برادران کشاورزان در نزدیکی ما (بنوت) فهمیدیم که به آنها زمینهای غیر مسطح به اجاره بمدت ۶ ماه به بهای هر هکتار ۴۵ تومان واگذار شده است، که به نظر ما این عادلانه نیست، چونکه به گفته یکی از مسئولان

بقیه در صفحه ۶

مبارزه‌ی دهقانان طاحون آباد (همدان)

ده حیران آورده بود. در زد و خوردی که بین دو اهالی صورت گرفت چندین نفر زخمی به جا گذاشت و ما موران کمیته انقلاب اسلامی بوسیله گاز اشک‌آور و تیراندازی

گزارشی داریم از زبان یک روستائی زحمتکش از همدان که بیانگر گوشه‌ای دیگر از ستمی است که هنوز توسط زمینداران و عواما، بمساکه‌ها، هموطنان

ادامه آوارگی دهقانان نعل شکن (کردستان)

دهقانان آواره "نعل شکن" (که بوسیله فئودال ده از روستا بیرون شدند) هنوز در دیواندره بسر می‌برند و بعضی از آنها به کارگری ساختمان مشغول هستند. این دهقانان هنوز مانند بسیاری از دهقانان کردستان وضعیتشان روشن نیست و برای سامان دادن آنها عملی صورت نگرفته و وضعیتشان هر روز بدتر می‌شود.

ارباب این ده با دار و دسته مسلح خود در ده ساکن است و هر روز تعدی و زور خود را بر دهقانان بیشتر میکند. ارباب دوباره بزور اسلحه و تهدید خواستار بهره مالکانه و عوارض دیگر و بیگاری شده است. و از دهقانانی که در ده مانده اند ۳ هزار تا ۶ هزار تومان پول خواسته، و از آنها بزور این پول را گرفته است.

دهقانان آواره جرات رفتن به ده را ندارند. حالا که زمان برداشت محصول است زمینها رها شده اند و ارباب هر کار که بخواهد با این زمینها میکند. دهقانان از این وضع ناراضی بوده و بفکر برداشت محصول هستند.

ارباب به دهقانان مانده در ده گفته است اگر خواستید از ده خارج شوید باید کتباً بنویسید که خودتان با میل خود از ده رفته‌اید و برای رفتنتان باید پول بدهید.

ارباب از دوسو، دهقانان را به بیچارگی کشانده است. از یک طرف از بازگشت دهقانان آواره جلوگیری میکند و زمینهای این دهقانان را در ده تصاحب کرده و بمیل خود برداشت میکند. و از طرف دیگر دهقانان در ده مانده را با هزار فریب و تهدید و زور، بقیه در صفحه ۶

* نامه جوانان نقالی

بقیه از صفحه ۶

یاری خدا و نددخده‌ای برانقلاب ما وارد نشود و همه با هم بایند در این

بسیار زیاد. هرگز در صورت رودخانه وجود دارد که سطح آن پائین تر از سطح زمینهای گشا ورزیست. با زدن سد برای ذخیره آب رودخانه و یا پمپ میتواننند از آب رودخانه برای کشاورزی استفاده کنند. نبودن علوفه و تلف شدن دامها هم باعث نابودی دامپروری شده است. این عوامل باعث شده است تا مردم نتوانند از راه دامپروری و کشاورزی زندگی شان را تامین کنند. در گشت و روستاهای اطراف، حتی افرادی هستند که درآمد سالانه شان کمتر از ۵۰۰ تومان است. اغلب از

هم اکنون که انقلاب ایران با مبارزات بی گیر مردم ایران به پایان رسیده است، بایسد تمام پایه های استثمار گرانه و امپریالیستی را در هم کوبد تا سرمشقی باشد برای جهانیان. ما مردم گشت که از سالهای سیاه پهلوی تاکنون در فقر و تنگدستی غوطه ور بوده و مبارزات ما در بهبود بخشیدن وضع فجیع زندگی در منطقه ثمری نداشت، اکنون که انقلاب اسلامی بشمر رسیده و خود را حامی زحمتکشان و رنجبران میداند ما مردم این

مبارزه برای زمین دهقانان «درمه» (جهرم)

ایزدی در دستگاه داشت نمیتوانستند آنرا عملی کنند، حالا پس از انقلاب برای پس گرفتن حق خود بپا خاسته اند و به کمیته انقلاب در جهرم مراجعه کرده اند. کمیته مدتی آنها را سرگردان میکند تا اینکه بالاخره روز شنبه ۱۶ تیر به کمیته مراجعه میکنند و میگویند که "هر چه قدر سعی کردید این پرونده را قایم کنید و ما را دست بسر کنید بس است. باید بما جواب قطعی بدهید وگرنه ما خودمان عمل میکنیم." یکی از دهقانان گفته بود: "مگر ما مرغ هستیم که هم در عروسی سرمان را میبرند هم در عزاء (مقصدش مقایسه این رژیم با رژیم پیشین بوده است). جواب کمیته این بوده است که روز یکشنبه آقای ایزدی میاید در محل و نماینده کمیته هم میاید و زمینهایتان را بشما میدهم که البته اکثریت دهقانان نظرشان این بود که ایزدی نخواهد آمد. در ضمن خواست دهقانان برگرداندن زمینهایی است که در آن درخت کاشته نشده است. خوب است یادآوری کنیم که آقای رحمت الله ایزدی سالهای قبل (زمان جشنای طاغوت) شهردار شیراز و بعدا فرماندار بوشهر، کازرون و نماینده با زرسی شاهنشاهی بوده است.

یکی از خوانندگان ما در فارس طی گزارشی می نویسد: بیش از ۴۰ نفر از اهالی ده "درمه" از توابع بخش خفر (جهرم) خواستار بدست آوردن زمینهای خود هستند. این زمینها که حدوداً بیش از ۷۰ الی ۸۰ هکتار میشود، اکنون متعلق به آقای رحمت الله ایزدی پسر برادر وزیر کشاورزی میباشد. جریان از این قرار است که چند سال پیش مردم این ده شبانه با تراکتور این زمینها را که متعلق به اداره منابع طبیعی بوده شخم میزنند و ناگفته نماند که درگیریهای زیادی نیز آن زمان پیش آمد. اما پس از مدتی آقای ایزدی توانست زمینها را از آن خود کند و مشغول بهره برداری از این زمینها بشود. زمینهایی که دهقانان با زحمات زیاد و مشقات فراوان شبانه آنرا شخم زده بودند. آقای رحمت الله ایزدی با احداث ۴ پمپ آب و غرس بیش از ۳۰۰۰۰ اصله درخت در بخشی از زمین مذکور، و همینطور گماشتن فردی بعنوان نماینده خود بر کلیه زمینها، فرمانروایی می کند. مردم که پس گرفتند زمینهایشان همیشه مد نظرشان بوده اما بعلت نفوذی که شخص

بیانگر گوشه ای دیگر از ستمی است که هنوز توسط زمینداران و عوامل رژیم سابق به این هموطنان زحمتکش ما وارد میشود. مالک ده، دکتر شادمانی، که مالک چند ده دیگر هم هست، قبلاً رئیس بانک خون بود. در زمان انقلاب هر وقت زخمی ها به خون احتیاج داشتند، او به همراه دکتر نورانی که نراری است، به ساواک خبر میدادند.

آقای عالمی روحانی مبارز همدان، که در زمان طاغوت بر علیه رژیم مبارزه میکرد و امروز مورد پشتیبانی اهالی همدان است، در جریان برخورد بین مالکان و دهقانان، جانب دهقانان ستم دیده را گرفته است. ما از مقامات مسئول دولتی نیز می خواهیم که در مقابل عمال مالک که مسلح هستند، بطرفداری از دهقانان اقدام نمایند و دست این مالک را که از عناصر رژیم سابق نیز هست، از مال و جان دهقانان کوتاه کنند. ماکشاورزان طاحون آباد از دهم اردیبهشت ماه مدت ۱۰ روز بود که جهت گرفتن حق خود که در رژیم سابق آن را دکتر شادمانی پایمال کرده بود، به اداره ثبت مراجعه نمودیم و تقاضای حق خود را کردیم. در برابر فشار زیاد دسته جمعی، رئیس اداره ثبت نامه ای به رئیس دادگاه شهرستان همدان نوشت. نامه بر علیه دکتر شادمانی بوده و ثابت کرده بود که حق کشاورزان طاحون آباد پایمال شده است. دکتر شادمانی اطلاع پیدا کرد دزدی های سابقش و پرونده های ساختگی اش در رژیم سابق که بدون اطلاع ما اهالی طاحون آباد بوده آشکار میشود. با آنکه از چهل سال پیش که زمین مال جده پدر ما بوده، ولی دادگاه اعلام کرد که شما محکوم هستید.

روز بیستم اردیبهشت ماه ساعت ۹ صبح ما کشاورزان طاحون آباد به دادگاه شهرستان همدان مراجعه کردیم. پس از نیم ساعت چماقداران دکتر شادمانی با اسلحه و قداره در دو خیابان همدان ظاهر شدند دکتر شادمانی، چماقداران را که ۵۰ نفر بودند از

و ما موران کمیته انقلاب اسلامی بوسیله گاز اشک آور و تیراندازی هوایی این ۵۰۰ نفر را متفرق نمودند. در حدود ۱۸ نفر از آنها در خیابان کمر بندی سنگشیر - بوعلی دستگیر شدند. حدود ۲۰ نفر از آنها که با اسلحه قصد داشتند از همدان به حیران فرار کنند. در میان راه ما موران کمیته آنها را دستگیر و سه عدد اسلحه به همراه جعفر شادمانی برادر دکتر شادمانی به کلانتری ۴ خیابان شهسوار تحویل دادند. چون برادر دکتر همراه این پرونده به دادگستری همدان منتقل شد همان روز تا میردگان آزاد شدند و اسم اسلحه در میان نیامد. ولی ۹ نفر از اهالی طاحون آباد در حدود ۱۰ روز در زندان ماندند و بعد با قرار آنها را آزاد نمودند. از طرف آقای عالمی ما مور به دو دهکده مذکور روانه شد و با تشخیص ما موران انقلاب و صورت جلسه از شاهدان همجوار دهکده ها زمینی که حدود ۷۰۰ هکتار می باشد مال قریه طاحون آباد است، ولی چماقداران دکتر شادمانی شب و روز در دهکده طاحون آباد مزاحمت ایجاد می نمایند. ۱۵ قبضه اسلحه به وسیله دکتر شادمانی خریداری شده و بین اهالی حیران تقسیم گردیده که به وسیله اسلحه هر روز سرکوها را می گیرند و بیگانه کشاورزان طاحون آباد تیراندازی میکنند. مدت چندین سال است برای کاشتن گندم و جو و چیزهای دیگر و زدن شخم ما اهالی طاحون آباد نمیتوانیم از ده خارج بشویم. ما از دادگاه انقلابی خواستار شدیم که جریان این توطئه ها را از دکتر شادمانی توضیح بخواهند که چرا ماکشاورزان بیچاره را از زندگی و کشت و زراعت باز داشته، و از آنهم خبری نشده و دکتر به کارهای مرموز خود شب و روز ادامه میدهد ما کشاورزان طاحون آباد از دولت انقلاب اسلامی خواستاریم تکلیف ما را با دکتر شادمانی روشن نماید تا بلکه ما بتوانیم آینده خود و زندگی بر باد رفته خود را بازیابیم.

یاری خداوند خدشه ای بر انقلاب ما وارد نشود و همه با هم باید در این کار نقش مهمی ایفاء کنیم. در زمان طاغوت کسانی بودند که به طبقه ضعیف و زحمت کش ظلم میکردند و حق آنان را سلن می نمودند بعضی از آنان بعد از پیروزی انقلاب خودشان را در غلافی دیگر کرده اند تا خود را نه بیگناه بلکه مجاهد هم جلوه میدهند و در انتظار فرصت می باشند ولی بعضی دیگر همانند رژیم سابق و حتی شدیدتر از آن در میان مردم مخصوصاً قشقای به ظلم و فساد دست زده اند.

از این قبیل افراد کیا مرث جهانگیری و فتح اله جهانگیری و فامیلشان می باشند که حق چند هزار نفر را در زمان طاغوت نوش جان کرده اند و هنوز هم دست از این کار رکیک برنداشته اند حتی افراد مذکور در رژیم سابق با ساواک همکاری زیادی داشته اند اینان هنوز هم از انقلاب سوء استفاده نموده و مردم زحمت کش را همانند زمان طاغوت در زیر سلطه خود نگهداشته و نمی گذارند کسی زبان باز کند و بگوید چرا؟

هنوز توطئه ای می ریزند و مردم بیگناه و زحمت کش را با هم دشمن نموده و بین آنان نفاق می اندازند تا از این راه حداکثر سوء استفاده را نمایند و حتی آنان را بیگناه به کشتن میدهند.

افراد مذکور از زورگویان ایل قشقای می باشند که در سرحد چهار دانگه شولان "بیلان" و دی نزدیک فراشید فارس "قشلاق" زمینهای بسیاری را با ظلم و پارتی از مردم گرفته اند و به نام خود ثبت نموده اند و مراتع آنان را به نام خود ثبت نموده اند و هر کدام چندین هزار گوسفند دارند که جائی برای پرورش دام دیگران نیست اینان انواع مختلف ماشین آلات و هر کدام برای خود آپارتمانهای در شیراز دارند که از خون و دسترنج مردم زحمت کش قشقای ساخته شده است مردمیکه در زیر سلطه اینان بسی رنجها کشیده خواستارند

بقیه در صفحه ۴

رنجبر و خوانندگان

س: تواز کجا فهمیدی که رنجبر خوب است؟

ج: از خواهر و برادرم مثل علی و مریم و بابا و ما نام میگویند که سازمان انقلابی خوب است که رنجبر میسازند.

س: این که برای تونا مه نوشته پدر و مادرش میگویند رنجبر نفروش؟

ج: چون میترسند.

س: کی میترسد؟

ج: پدر و مادرش خوب دیگه میترسند.

س: خوبه که میترسند یا نه؟

ج: نه بد میکنند یا بد خوشحال

باشند که رنجبر میفروشند یا بد بی حال و سست باشند و یا بد توخانه

کار کنند و اخبار گوش بدهند و

بازی کنند یا بد رنجبر بفروشند

و بعد از برنامۀ کودک با پدر و

مادر و رنجبر بفروشند، مادر و

میگوید آفرین یا بدیه او بگویند

آفرین برو رنجبر بفروش و پولهایش

را بده به عمو عباس و اون هم

بده به عموش تا بده به رنجبر

و رنجبر بفروشد.

س: اینکه نامه نوشته گفته

برایم نامه بنویس تونا مه

مینویسی؟

ج: آره

س: چه جوری؟

ج: همه را به بابا میگویم هر

من گفتم برایم بنویس و برایش

مینویسم.

س: چرا خودت نمی نویسی؟

ج: نمی توانم چون خودم بزرگ

نشدم چون من شش سالم است و

نمی توانم. اون چند ساله؟

س: میخواهی برایش چیزی

نامه ای یا پیا می بفرستی؟

ج: هر چه که بود میگویم. میگویم

نترس به پدر و مادر بگویند ترس،

این چیزی نیست رنجبر است فقط

رنجبر بفروش نترس و زیر نامه

می نویسم خدا حافظ، نیمای سرخ.

رنجبر:

درود بر شهیدان راه آزادی

و درود بر رفقای که جان خود

را در راه خلق زحمتکش ایران

نهادند و با ایمان تمام با عوامل

ارتجاع و امپریالیسم جنگیدند

و تا آخرین لحظه مبارزه کردند.

محبت، نشانه های

مصابحه ای داریم با نیمای

سرخ مان، دخترک شش ساله ای که

در اهواز "رنجبر" میفروش و چون

تمام گلهای سرخ دشت بیکران

توده های انقلابی، سرشار از نشاط

و امید به آینده است.

نوجوانی از ما زندان که او

هم رنجبر میفروش و با مشکلاتی

روبرو شده است خواسته بود تا

نیمای مان برایش بگوید که چگونه

میفروش و پدر و مادرش در این باره

چه میگویند.

بنا بر این پای صحبت نیمای

نشستم:

س - توا سمت چیه؟

ج - نیمای

س - نیمای چی

ج - سرخ

س - چند ساله

ج - ۶ ساله

س: نیمای کسی از ما زندان سوال

کرده که میگه میخوام با نیمای

سرخ تماس بگیرم ببینم چطور و چه

جور "رنجبر" می فروشه.

ج: چونکه ما نام میگویم رنجبر

بفروش تا پولهایت زیاد بشه بدی

عمو عباس، عمو عباس پولهایش را

بردارد بدهد به سازمان انقلابی تا

سازمان انقلابی هم برایش رنجبر

بفروشد. تا بیا راه اینجا تا ما

ببریم بفروشیم

س: تو چطور میفروشی مردم چه

میگویند؟

ج: در میزنم در خانه ها و میگویم

رنجبر نمی خوی، بعضی ها

میگویند نه و بعضی ها چرا و یک

تومان میدهند و میخرند.

س: به تونمی گویند چرا رنجبر

داری؟

ج: بعضی وقتها یعنی اول اولابه

ما فحش میدادند و میگفتند اینجا

چیست که میفروشی بعضی ها فحش های

بد میدادند و من محلشان نمی

گذاشتم وقتی که یک ساعت بعد

در ا می بست من هم فحش میدادم،

بعضی ها میگفتند مگر مرض داری که

اینهارا میفروشی و بعد فحش

میدادند و من می رفتم سرکار خودم

و بعضی دیگر میگفتند مری که

میفروشی بعضی ها میگفتند رنجبر

نوب است بعضی میگفتند بد است.

س: وقتی به تو میگفتند چرا

رنجبر میفروشی مگر مرض داری که

رنجبر میفروشی چه جواب میدادی؟

می کردند بزور آواره شان میکرد. ولی همان دهقانانی را که ماندند، اذیت و آزار می کنند و هر روز تهدید و استعمار خود را افزایش میدهد. زمینها و محصولات دارند از بین میروند و کسی نیست که از آنها مواظبت نموده و آنها را برداشت کند. هم دهقانان مانده درده و هم آواره شدگان ناراحت و تحت فشار هستند.

دهقانان آواره خواستار رسیدگی فوری و قاطع نسبت به وضعیتشان هستند. وضع این ده، نمونه ای از وضع دهات کردستان است، یعنی حمله و هجوم فئودال ها، عدم امنیت در منطقه، شوراها و عشایری که فئودال ها برای تسلط و چپاول دهقانان تشکیل میدهند، همه از مسائل هستند که دهقانان را در وضع نابسامانی قرار داده است.

ارباب این ده با چند ارباب این منطقه و همچنین یکی از ارباب هایی که قبلا در عراق بود و با "قیاده موقت" رابطه داشته، در حدود یک ماه و نیم پیش در نزدیکی دیواندره شورای عشایری تشکیل داده اند. تهاجم و تعرض به دهقانان، آواره کردن آنان، ستم و استعمار مالکان در ده به پشتیبانی این شورا همچنان ادامه دارد.

خواسته های عادلانه

بقیه از صفحه ۵

فوق، اختلاف برای هر هکتار ۳۹۰ تومان است.

ما مجدداً از دولت انقلابی موقت آقای بازرگان و مسئولان کشاورزی خوزستان، خواستار رسیدگی بوضعیت هستیم. واگذاری زمین به شکل عادلانه، نه به شکلی که به برادرانمان در "بنوت" داده شده.

در خاتمه ما پیشنهاد میکنیم چنانچه انحلال این شرکتها مدتی طول میکشد، موقتاً زمینهای بلا استفاده این شرکتها را اقل در اختیار ما بگذارند تا بتوانیم در این فصل از اینها استفاده کنیم. در ضمن سعی شود این زمینها به کشاورزان بیکار به شکل عادلانه ای واگذار گردند تا بتوانیم علاوه بر اینکه خرج خانواده خود را تامین کنیم، به شهرهای مجاور محصولات بفرستیم و بنوبه خود، هر چند که کوچک باشد، به ملت مسلمان، کشته اسلام،

* ادامه آوارگی ...

بقیه از صفحه ۵

چپاول و غارت می کند. ارباب قبلا بین دهقانان تفرقه و اختلاف می انداخت و عده ای را درده نگاه میداشت و آنها را که مقاومت

۱۹۵۷ ناگهان! شخص... رویونیست بنام خروشچف در حزب کمونیست شوروی ظاهر شد، رهبری را بدست گرفت و بر صدر دولت و حزب نشست. او بعنوان نماینده بورژوازی، از طرف پرولتاریا (حزب کمونیست و طبقه کارگر) محاصره شده بود، اما حزب پرولتاریا (ولادیمیر لنین) مرکزی "کمونیستی" آن (اورا تحمل کرده هیچ اعتراض و کوششی در پیرون راندن این بورژوازی نداد و او هم در مقابل این "لطف" پرولتاریا، در مدت حکومت خود نه تنها تلاشی برای احیاء سرمایه داری نکرد بلکه "با صداقت و ایمان" به ساختمان سوسیالیسم پرداخت و بعد در سال ۶۴ از طرف "کمونیست ها" چون برژنف و شرکا برکنار شد و این نماینده بزرگ بورژوازی دولت و جامعه سوسیالیستی را دست نخورده و به خوبی و خوشی به طبقه کارگر تحویل داد و آنها این افسانه کودکا نه را بعنوان مارکسیسم هم عرضه می کنند

از نظر این دارودسته غاصب، پدیده تاریخی رویونیسم خروشچف که ظهور آن بزرگترین واقعه در جنبش کمونیستی جهان پس از انقلاب اکتبر بود، اولین دیکتاتور پرولتاریا را بنا بود ساخت، به احیاء سرمایه داری در اولین کشور سوسیالیستی جهان پرداخت، موجب انحرافات عمیقی در تمام جنبش کمونیستی و کارگری جهان شد. . . . به پدید آمدن تنها در سطح یک شخص محدود می شود که نه در حزب، نه در دولت، نه در درجه معانی عمیق نداشته و بعد هم با تصحیح "رفیق" برژنف از صحنه کناره رفته است. و این دارودسته غاصب با بافتن این لاپلاطیات رویونیستی خود را مارکسیست - لنینیست هم می دانند، باید از آنها پرسید چه شد که خروشچف روی کار آمد؟ آیا ظهور او یک پدیده اتفاقی و در سطح یک فرد بود یا نشانه مبارزه طبقاتی شدید در جامعه سوسیالیست و

آرایشگران ...

بقیه از صفحه ۱

قبل دلیل عدم احیاء سرمایه داری پس از روی کار آمدن خروشچف است.

نویسندگان سلسله مقالات نشریه "کار" می خواهند باین قرینه سازی ناشیانه، ذهن توده ها را مغشوش کرده و از زیر بار موضع گیری و ارزیابی مشخص از جامعه دولت کنونی شوروی بگریزند.

به دیگر باصلاح دلایل توجه کنید: نشریه "کار" شماره ۱۸ می نویسد که لنین کلمه سوسیال - امپریالیست را برای کاژوتسکی و دیگر رویونیست ها - انترناسیونال دوم بکار برده است لیکن مقصود لنین از این برچسب نشان دادن یک گرایش رویونیستی در جنبش کارگری بوده است و هرگز یک نظام اقتصادی - اجتماعی را در نظر نداشته و نمی توانسته هم داشته باشد.

کاژوتسکی که بنام "کاژوتسکی" یک رویونیست بود، یعنی نماینده بورژوازی در جنبش کارگری، او "زیر نقاب سوسیالیسم" از امپریالیسم دفاع می کرد و از اینرو "لنین" او را سوسیال - امپریالیست می خواند.

رویزیونیست های کنونی کشور شوروی که هستند؟ آنها هم عیناً همانند کاژوتسکی هستند، آنها بورژوازی با نقاب سوسیالیسم می باشند. تفاوت رویونیست های مدرن شوروی با کاژوتسکی در اینست که کاژوتسکی و "حزب" قدرت سیاسی و دولتی را در دست نداشتند و رویونیست های مدرن شوروی این قدرت دولتی را غصب کرده و در دست دارند. آنها همانند کاژوتسکی نمایندگان سیاسی بورژوازی هستند. در دست داشتن قدرت سیاسی یا نداشتن آن در ماهیت طبقه - رویونیست ها (چه قدیم چه مدرن) تغییری نمیدهد، آنها چه با قدرت سیاسی و چه بدون آن نمایندگان طبقه بورژوا هستند که نقاب سوسیالیسم بر چهره دارند.

این نمایندگان بورژوازی وقتی که در یک کشور سوسیالیستی پیشرفته قدرت سیاسی را به چنگ آورند به احیاء سرمایه داری می پردازند و زیر نقاب مالکیت

پیشرفته قدرت سیاسی را به چنگ آورنده احیاء سرمایه داری می پردازد و زنده یزید مالکیت سوسیالیستی انحصارهای بزرگ امپریالیستی بوجود می آورند و کشور را تبدیل به کشور امپریالیستی با نقاب سوسیالیستی می کنند. آنها نماینده طبقه سرمایه دارانند و نمی توانند طبقه کارگر را نمایندگی کنند و با ساداروسا زنده سوسیالیزم باشند. کاتوتسکی با منحرف کردن جنبش کارگری و جلوگیری از پیروزی آن، جلوگیری از حاکمیت طبقه کارگر به بورژوازی خدمت می کند و رویزونیستهای مدرن شوروی با تصرف قدرت سیاسی و احیاء سرمایه داری این هدف را به پیش می برند. ماهیت طبقاتی هر دو یکی است و هر دو نماینده بورژوازی هستند که برای یک هدف (سرمایه داری) زیر نقاب سوسیالیسم تلاش می کنند.

اما درودسته غاصب رویزیونیست لانه کرده در نشریه "کار" و قتیکه به تحلیل از شوروی زمان معاصر میرسد سخت در تنگنا میماند و در دفاع از شوروی کنونی در کوهی از تناقضات و گره ها گیر می کند. آخرین دارودسته باید از برزخ و شرکایش و از کشوری امپریالیستی (شوروی) زیر نقاب مارکسیسم در برابر کمونیستها دفاع کند. از اینرو آنها مجبورند برای این کار در مقابل رویزیونیسم خروشچی موضع بگیرند چرا که خروشچف رسوا تر از آنست که این دارودسته غاصب بتواند از او دفاع کند. بنا بر این آنها مجبورند شوروی کنونی و دارودسته برزخ را سوسیالیست و کمونیست بخوانند و از آن دفاع کنند و هم دوران حکومت رویزیونیسم خروشچی را به نحوی توجیه نمایند و این کار بسی سخت است و آنها را با چنان مشکلات بزرگی روبرو می کند که آخر در گل می مانند. به بندبازی این دارودسته غاصب توجه کنید و ببینید چطور با فرق سربه زمین می افتند.

قصه آنها اینست: در سال

او یک پدیده اتفاقی و در سطح یک فرد بود یا نشانه مبارزه طبقاتی شدید در جامعه سوسیالیستی و با زگشت بورژوازی به قدرت؟ باید جواب بدهند خروشچف نماینده کسه بود، طبقه کارگر؟ بورژوازی؟ یا اصلا بر طبق قصه این دارودسته، نماینده خودش؟

آیا در دوران خروشچف حزب تصفیه نشد؟ از دارودسته غاصب باید پرسید جای تصفیه ۷۰ درصد از اعضای کمیته مرکزی کمونیست شوروی که تا سال ۱۹۶۱ توسط خروشچف رویزیونیست انجام گرفت در قصه شما کجاست؟ باید پرسید در قصه شما چرا مبارزه مولوتوف و کاگایونچ که موفق شده بودند اکثریت دفتر سیاسی حزب را در سال ۵۷ علیه خروشچف رویزیونیست بسیج کنند اما با یک کودتا سرنگون شدند، چرا جدا افتاده است؟ باید پرسید چرا خروشچف استالین را دیوانه، دیکتاتور و ترسو خطاب کرد؟ و... باید پرسید خروشچف چگونه رویزیونیستی بود که مقامهای رهبری را غصب کرده بود و در دوران حکومتش گور خود را می کرد، یعنی سوسیالیسم را می ساخت؟

از اینرو به روشنی دیده میشود که این دارودسته غاصب برای دفاع از امپریالیسم روسیه، نقطه نظرات اساسی مارکسیستی-لنینیستی را در مورد ماهیت طبقاتی رویزیونیسم، دولت، حزب و مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی لو ت کرده اند و چون با تحلیل مشخص کردن از دوران خروشچف نقطه نظرات رویزیونیستی شان بر ملا میشده است، متوسل به داستان سرائی گشته اند.

مادرشماره آینده به مسئله امکان بازگشت جامعه (از نظر ماتریالیسم تاریخی) و مبارزه طبقاتی در شوروی دوران استالین می پردازیم و نشان خواهیم داد که ریشه های تاریخی رویزیونیسم و بازگشت آن به نمایندگی خروشچف چه بوده است و چرا دارودسته غاصب "کار" در این مورد تئوری های رویزیونیستی دارند.

مجاور محصولات بفرستیم و بنوبه خود، هر چند که کوچک باشد، به ملت مسلمان کشور اسلامی ایران و انقلاب مان جهت استقلال، خدمتی کرده باشیم. در ضمن از بیکاری در ایران، لاقلا در بخش ما کاسته شود تا انشا الله برنامه ای که در سطح مملکت از طرف دولت انقلابی موقت پیاپی ده شود و بتمام کشاورزان عادلانه زمین واگذار شود و این شرکتهای انگل را منحل نماید.

ناگفته نماند زمینهای اطراف شهرک امام خمینی که قسمتی از آنها غیر مسطح است و قابیل استفاده شرکت ایران - شکلات نیست و حتی در تابستان نیز زیر کشت نمیرود، بما که در مجاورت این شرکت هستیم واگذار شود. امیدواریم لاقلا به این نامه دومی ما رسیدگی شده و پیاپی جواب داده شود.

با درودهای فراوان از طرف کشاورزان شهرک امام خمینی و شرکتهای اطراف

* خواستهای مردم *

بقیه از صفحه ۵ منطقه گرد هم آمده و خواسته های خود را شرح زیر اعلام میداریم و در بدست آوردن آنها از هیئت کوششی دریغ نمیورزیم.

(۱) فرستادن هر چه سریعتر پزشک برای مداوای مردم گشت و اطراف آن.
(۲) تامین آب آشامیدنی برای اهالی این بخش و افزایش دادن برق از ۶ ساعت به ۲۴ ساعت.
(۳) ایجاد حمام بهداشتی برای مردم گشت.

(۴) مرمت و بازسازی قنوات بلوچستان.

(۵) براه انداختن کارگاه پارچه بافی گشت با حقوق مکفی برای کارگران آن.

(۶) ایجاد کلاسهای سیار برای آموزش دادن فرزندان جا در نشینان اطراف گشت.

(۷) احفر چاههای عمیق و نصب موتور آب در زمین های مناسب بلوچستان.

س: وقتی به تو میگفتند چرا رنجبر میفروشی مگر مرض داری که رنجبر میفروشی چه جواب میدادی؟
ج: میگفتم رنجبر که چیزی نیست که نمی توانید بخوانید، رنجبر بهترین چیزها است روزنامه رنجبر که خوب است رنجبر بهتر است از روزنامه های است که میخوانید مگر رنجبر چیز بدی است نیست. بعضی ها دوستمان میدادند و بعضی یک تومان میدادند. رنجبر چیزی نیست. رنجبر کمونیست است مگر چه که می ترسند. س: وقتی که رنجبر میفروشی مادر و پدرت چه میگویند؟
ج: هیچی، میگویند آفرین که رنجبر میفروشی.

س: پدر و مادرت میگویند؟
ج: آره بعضی وقتها یک بار بابام میگوید آفرین و بعضی وقتها ما مانم میگوید دختر خوبی هستی که رنجبر میفروشی.

س: بچه های محل اذیت نمی کنند و تراکتک نمیزنند؟

ج: بعضی میگویند کار خوبی است و کمک خواهر و برادرت میکنی کار خوبی میکنی برای مردم. بعضی از مردم دلشان میخواهد این کار را بکنند ولی نمی توانند. بعضی ها هم بچه ندارند.

س: این که نامه نوشته میگوید نظرت در باره رنجبر چیست؟

ج: خوبه دیگه!

س: برای چی خوب است؟

ج: خوب چون مال سازمان انقلابی است.

س: تو از کجا میدانی که سازمان انقلابی خوب است؟

ج: من میدانم که رنجبر در سست مینویسد روش اسمش را مینویسد نامه ها را مینویسد دلشان نمی خواهد که مردم اذیت بشوند و مردم کار نکنند.

(۸) رسیدگی به وضع اسفناک کشاورزی بلوچستان که در حال از بین رفتن است و تاکنون هیچگونه توجهی نسبت به آن نشده است.

ضمنا اکثر این نیازها را میتوان از وسایل انباشته شده در پیگاه کنارک تهیه نمود. "شورای موقت دهقانان گشت".

ارتجاع و امپریالیسم جنگیدند و تا آخرین لحظه مبارزه کردند. رنجبر عزیز، نشریه های شما را مرتب توسط رفقا در اینجا دریافت میکنیم و از مطالب آن استفاده مینمائیم.

در ضمن خواستم توسط یک نامه کوتاه قدر دانی کنم از اینکه در شماره ۱۱ یا دبرادرم، محمود وحیدی و رفقا یش سعید کرد قراچو و محمدرضا کلانتری "سه دوست خوب کارگران" رازنده کردید. یادشان گرامی و هدفشان مقدس و پیروز. درود بر آنها گسترده و مستحکم باد مبارزات طبقه زحمتکش و کارگر

در ضمن ما گروهی از دانشجویان ایرانی که در لندن به تحصیل مشغولیم آخرین کوشش خود را در پخش (نشریه) رنجبر میکنیم. موفق باشید

لندن - رضا وحیدی

* گروهی از جوانان ایل قشقای طی نامه ای مینویسند: "خودسرای و ساواکیهای قشقای" بسم تعالی

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی یکی از آرزوهای دیرینه طبقه فعال و زحمتکش بوده است و هم اکنون از برادران عشا پروکار و گروکشاورز و زحمتکش و کارمند، پیر، جوان انتظار میرود که این انقلاب را یاری کنند و افراد نامالرح و شناخته شده را طرد نمایند و به مقامات بالا اطلاع بدهند تا به بقیه در صفحه ۵

نشانی دفتر رنجبر
تهران - خیابان مصدق
پایین تر از امیر اکرم - کوی گودرز
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹
نشانی پستی رنجبر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

شوروی

بقیه از صفحه ۸

لنین در سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) به این سؤال جواب مثبت داد. لنین با اشاره به کشور شوروی که به تازگی در آن انقلاب سوسیالیستی پیروزی رسیده و "دیکتاتوری پرولتاریا" برقرار شده بود گفت: "طبقات در دوران دیکتاتوری پرولتاریا باقی مانده اند و باقی خواهند ماند.... مبارزه طبقاتی به هنگام دیکتاتوری پرولتاریا از بین نمی رود بلکه فقط شکلی دیگر به خود میگیرد" (لنین: اقتصاد سیاسی شوروی). طبقه استثمارگران، ملاکان و سرمایه داران از بین نرفته و ممکن نیست بهنگام دیکتاتوری پرولتاریا بفروریت از بین بروند. استثمارگران در هم شکسته شده ولی نابود نشده اند. با یکسان بین المللی آنها یعنی سرمایه بین المللی، که آنها شعبه ای از آن هستند، باقی مانده است. قسمتی از وسایل تولید در دست آنها باقی مانده است. نیروی مقاومت آنان درست بعین شکستشان، صدها و هزارها برابر افزایش یافته است. برخورداری از "فن" اداره امور دولتی، نظامی و اقتصادی توفیق بسیار زیادی به آنها می دهد. قسیمی که اهمیت آنان بر مراتب پیش از نسبت آنان در بین عده کل اهالی است. مبارزه طبقاتی استثمارگران سرنگون شده علیه پیشاهنگ پیروز منداست. استثمارگران یعنی پرولتاریا بر مراتب شدیدتر شده است. (همانجا، تکیه از ما ست) به این ترتیب لنین توضیح میدهد که در طول مدت ساختن سوسیالیسم مبارزات طبقات بنحوی شديدي تر از گذشته ادامه می یابد و تنها شکل آنست که تغییر می کند. بنا بر این در این دوران که از سقوط حکومت سرمایه داران شروع میشود و تا ایجاد اجتماع بدون طبقه کمونیستی ادامه می یابد، وجود دیکتاتوری پرولتاریا و حزب سیاسی طبقه کارگر (کمونیست) ضروری هستند.

اما بینیم حزب کمونیست در دوران دیکتاتوری پرولتاریا چه نقشی دارد. گفتیم که در طی دوران ساختن سوسیالیسم طبقات وجود دارند و مبارزات طبقاتی میان طبقه کارگر و بورژوازی با شکل مختلف ادامه دارد. پس نقش حزب کمونیست در این دوره رهبری طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی او است. تنها فرق این دوران با دوره ی گذشته این است که طبقه کارگر قدرت سیاسی را در دست دارد و میتواند طبقات استثمارگر را در هر کجا که سر بمخالفت علنی بردارند سرکوب کند. اما خطر عمده ای که حکومت کارگری را تهدید می کند اینست که نمایندگان طبقات استثمارگر بعین موقعیتی که دارند (داشتن یا بیگانه بین المللی، بعضی وسایل تولید، پول و ارتباطات اجتماعی، دانستن "فن" اداره ای امور دولتی نظامی و اقتصادی، نفوذ افکار سرمایه داری و فرهنگ آن و غیره) به آسانی میتوانند در دستگیر دولتی و حزبی و اقتصاد نفوذ کرده و آنرا از داخل متلاشی کنند و یا به تصرف خودشان در آورند. بنا بر این نقش حیاتی حزب در سرتاسر این دوران جلوگیری از نفوذ عناصر بورژوازی به درون ارگانهای دولتی و سازمانهای اقتصادی و بمیان صفوف خود حزب است. این کار از چه طریق امکان دارد؟ از طریق اتکا به توده های وسیع کارگران و زحمتکشان، بعد از سقوط سرمایه داری و به حکومت رسیدن طبقه کارگر، دولت کارگری وسایل تولید را از دست سرمایه داران خارج کرده به مالکیت خود در می آورد. اما این عمل در حکم اجتماعی کردن وسایل تولید نیست، چونکه دولت بنمایندگی از طرف جامعه این عمل را انجام میدهد و تولید کنندگان مستقیم که باید این مالکیت بروسای تولید را اعمال کنند بدان دسترسی ندارند. مثلاً وقتی دولت کارگری یک نفر متخصص یا مدیر تحصیل کرده را برای ریاست کارخانه ای میفرستد، گرچه کارخانه از نظر "حقوقی" یا "قانونی" متعلق به دولت است ولی کنترل عملی کارخانه در دست آن "مدیر تحصیل کرده" است که خود میتواند یکی از نمایندگان یا وابستگان به طبقه سرمایه دار (بورژوازی) باشد. اگر تعداد این عناصر وابسته به طبقات سرمایه دار رویا نمایندگان آنها که از اجتماع کهن به دولت کارگری به ارث رسیده اند بقدر کافی زیاد باشد میتواند تمام ارکان اقتصادی و مواضع دولتی را بتدریج برکنند و دوباره قدرت بر سرند. در اینجا است که نقش حزب کمونیست در این دوران بسیار حیاتی میشود. حزب کمونیست

خلق اریتره

بقیه از صفحه ۸

به آمریکا "هایلا سلاسی" توسط یک کودتای نظامی ساقط شد. کودتاچیان به رهبری "منگیستو" بخاطر اعمال سیاست برتری طلبی وستم ملی و برسمیت نشناختن حق حاکمیت و استقلال خلق اریتره، جنگ بر علیه این خلق دلاور را ادامه دادند. این سیاست اعمال ستم ملی و عدم شناخت حق تعیین سرنوشت برای خلق اریتره، دولت مرکزی را در مقابل یک جنبش آزادیبخش قرار داده و آنرا تضعیف نمود و از اینرود دولت مرکزی برای پیشبرد سیاست برتری جویانه خود دست بطرف امپریالیستهای روسی دراز کرد. امپریالیستهای روسی نیز که لقمه چربتری را بچنگ آورده بودند، ۱۸۵ درجه چرخیده و به حمایت از دولت اتیوپی و بر علیه خلق قهرمان اریتره برخاستند و این درست در زمانی صورت گرفت که جنبش آزادیبخش خلق اریتره نزدیک به ۹۰٪ از خاک کشورش را آزاد ساخته بود.

از این زمان تنها حاکم امپریالیستهای روسی، با همکاری مزدوران کوبائی اش بر علیه خلق اریتره آغا زگشت ارتش اتیوپی اگرچه از نظر کمیت و درجه تسلیحاتی بر ارتش آزادیبخش اریتره برتری داشت ولی به تنهایی قادر به مقابله با این خلق قهرمان نبود. بدینجهت دهها ژنرال و صدها افسر عالیرتبه روسی و بیش از ۲۵۰۰ سرباز کوبائی، رهبری ارتش ۲۵۰ هزار نفره اتیوپی را بعهده گرفته و در سرکوب خلق اریتره شرکت مستقیم نمودند. امروز خلبانهای روسی توسط میگهای ۲۳ به بمباران هوائی این سرزمین و خلق آن مشغولند و گانهای شوروی نیز از طریق دریامردم در اریتره را گلوله باران می کنند.

ابر قدرت روس در سال گذشته تهاجم وسیعی بر علیه خلق قهرمان اریتره تدارک دید و بخیال خود خواست تا با این حمله جنبش مقاومت را درهم شکسته و سرزمینهای آزاد شده را مجدداً اشغال کند. جنبش مقاومت خلق اریتره که در خودیای مقابله متمرکز بر علیه ارتش عظیم اتیوپی رانید، به یک عقب نشینی تاکتیکی دست زد و اگرچه چندین شهر به تصرف دشمن درآمد اما کنترل تمام مناطق

نیروهای دمکراتیک در سطح جهان بیش نبود. امروز نقیض آن ترنا سیونالیستی که روسها با آن خود را آرایش می دادند به زمین می افتد. امروز جنبش آزادیبخش خلق اریتره در زیر بمباران حلسات تحدید تربیت برگزار می کند و به درس آموزی از برخورد خود در گذشته می پردازد.

جنبش خلق اریتره تاکنون درسهای گرانبهائی به خلقهای جهان، در شناخت از ماهیت امپریالیسم، مبارزه علیه آن داده است. این انقلاب بدرستی نشان میدهد که ابر قدرت روسیه جنبشها را بر طبق منافع خود تقسیم بندی می کند و نه اصالت ملی آنها. انقلاب اریتره تا زمانیکه به امپریالیسم آمریکا ضربه میزند انقلابی مترقی اعلام میشود و مانیکه بر علیه منافع ابر قدرت شوروی عمل کرد از طرف آنمهر ارتجاعی خورد. انقلاب آزادی بخش خلق اریتره به جهانیان آموخت که تمام تبلیغات امپریالیستهای روسی در مورد باصلاح "حمایت" آنان از جنبشهای ملل ستمدیده ویا "متحد طبیعی" بودن آنها با این جنبشها، یا وده سرائی های امپریالیستی بیش نیست که برای خام کردن خلقهای ستمدیده و تسلط بر آنها از طرف امپریالیستها روسی جار زده میشود و هر وقت که منافع امپریالیستهای روسی اقتضاء کند، آنان مانند امپریالیستهای آمریکائی، به سرکوب خونین جنبشهای آزادی بخش و کشتار بیرحمانه خلق دست میزنند.

دهها سال مبارزه خونین به خلق اریتره آموخته است که تنها با وحدت خویش خلق قادر است بر علیه ابر قدرت به مبارزه دست زند و در دام ابر قدرت روس نیافتد. درست در زمانی که امپریالیسم شوروی کوشش نمود از اختلاف میان نیروهای مختلف استفاده کند و انقلاب را با شکست مواجه سازد، نیروهای انقلابی دست اتحاد به سوی هم درآورده و جبهه واحدی را بر علیه دشمن خود بوجود آوردند.

بعلاوه در جریان این جنبش به روشنی دیده شد، هنگامی که دولتی در مقابل یک جنبش بحق ملی بایستد، ضعیف گشته و لذا مجبور به تکیه بر نیروی بیگانگان و از دست دادن استقلال خویش است. اگر دولت منگستو، حق

خوزستان

بقیه از صفحه ۸

بر آن تاکید نمود آنست که عملیات تروریستی و ضد انقلابی در این ناحیه، هیچ رابطه ای با مبارزه اصل خلق عرب ندارد، بلکه در جهت لوث کردن آن بوده و از جانب همه نیروهای خلقی و از آنجمله خلق عرب محکوم گردیده است. اکثریت عظیم خلق عرب و به همراه آنان حضرت آیت الله آل شیر خاقانی بارها نشان داده اند که نسبت به دولت حسن تفاهم داشته و پشتیبان حل و فصل مسائل بطریق مسالمت آمیز هستند.

ضد انقلاب با عملیات تروریستی خود سعی دارد که در روابط خلق عرب با دولت اخلاص کرده و از حل صحیح مناسبات آنها جلوگیری کند. ما قویا به خلق عرب و مسئولین دولتی هشدار میدهم که در دام این توطئه ها نیفتد و بدور از تحریکات ضد انقلاب همچنان در راه حل مسالمت آمیز مسائل با اعتماد و اتکا به توده های خلق عرب گام بردارند.

دربرخورد به مساله مرکزی خوزستان یعنی حل صحیح مناسبات دولت و خلق عرب، بنظر من مناسبات مختلفی موجود است که بعینت کمیبودها و برخوردهای نادرست هم از جانب دولت و هم از جانب خلق عرب باید مورد دقت قرار گیرد.

ما معتقدیم که هم میهنان عرب ما، ضمن پافشاری بر روی حقوق خود باید علیه تنگ نظری ملی و برخی سیاستهای ضد دولتی در صفوف خود مبارزه کنند و با طرد آنها جبهه ی فشرده ای بادیگر خلقهای ایران و دولت ملی برای مبارزه علیه دشمنان اصلی خلق یعنی دو ابر قدرت آمریکا و شوروی و عمال آنها بوجود آورند. خلق عرب باید عمیقاً پی بایستن واقعیت ببرد که رفع ستم ملی از او صرفاً یک مساله محلی نبوده، بلکه عمدتاً مساله ایست میهنی، که در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم و عناصر ضد انقلاب وابسته بآنها قابل حل است. از طرف دیگر ما معتقدیم از جانب دولت و مقامات مسئول نیز کمبودهای جدی در شناخت حق ملی خلق عرب وجود دارد که باید زودتر برطرف شود بعلاوه دولت باید از

ارث رسیده اند بقدر کافی زیاد باشد نمیتوانند تمام ارکان اقتصادی و مواضع دولتی را بتدریج پر کنند و دوباره بقدرت برسند. در اینجا است که نقش حزب کمونیست مهم میشود. حزب می تواند بدینا برگماشتن افراد خود و یا کمیته های کارگری تحت رهبری حزب در اس کارخانه ها و ارگانهای دولتی، همچنین مسلح کردن توده ها به سیاستهای کمونیستی و مبارزه دائم توده های با بورژوازی، جلوی این نفوذ بورژوازی را بگیرد. بهمین دلیل است که لنین می گوید در اجتماع سوسیالیستی سیاست باید بر اقتصاد توفیق داشته باشد. اومی گوید:

"سیاست بیان و تجلی متمرکز اقتصاد است"، "سیاست نمی تواند بر اقتصاد توفیق نداشته باشد. طور دیگر تلقی نمودن بمعنی فراموش کردن الفبای مارکسیسم است."، "یک طبقه بدون برخورد سیاسی صحیح به کار، تسلط خود را نمی تواند حفظ کند و بنا بر این وظیفه ی تولیدی خود را نیز نمی تواند انجام دهد" (لنین: باز هم درباره ی اتحادیه ها، اوضاع کنونی و اشتباهات ترسکی و بوخارین) اما همه ی اینکارها در صورتی امکان دارد که حزب کمونیست خود بتواند از نفوذ نمایندگان بورژوازی محفوظ بماند. برای اینکار هم لنین پیشنهاد تصفیه حزب با اتکا به زحمتکشان را می دهد. اومی گوید: "... در مورد اتخاذ روش منفی نیست به "جا خورده ها" و "کهیر ما بها" و "بوروکرات منشی ها" تذکرات توده ی پرولتری غیر حزبی و در بسیاری موارد تذکرات توده ی غیر حزبی دهقانان بی اندازه گرانهاست. توده ی زحمتکش با حساسیت فوق العاده ای فرق کمونیستهای شریف و صدیق را با آن کمونیستهای که مایه ی نفرت کسان می شوند که با عرق جبین امرا معاش می کنند... تشخیص می دهند. تصفیه حزب با در نظر گرفتن تذکرات زحمتکشان غیر حزبی امر خطیری است" (لنین: درباره ی تصفیه حزب).

در شماره آینده نظرات درودسته بر ژنف - کاسیگین در مورد حزب را بررسی کرده و خواهیم دید که آنها با حزب لنین چه کرده اند.

اخباری از جنبش

بقیه از صفحه ۱

بزرگ استان هرات خواسته تا مسلحانه علیه مبارزین مسلمان بجنگند. این دختران شجاع دست به اعتصاب زده و رژیم ضد مردمی تره کی در تاریخ ۹ تیر ماه ۵۸، ۸۰ نفر از آنها را به سیاهالهای زندان "پل چرخي" کابل فرستاده و ۳۶ تن دیگر را در زندانی در خود استان "هرات" محبوس نموده است. تعدادی از این دختران به دهکده های اطراف پناه برده اند و عده ای نیز به کشورهای مجاور پناهنده شده اند.

* در یکی از مدارس استان هرات بنام مدرسه "جامع" که ۴۰۰ طلبه علوم دینی در آن تحصیل میکنند تنها ۱۰۰ نفر باقی مانده اند آنها هم زندانی و ارزندگی میکنند. * حکومت ضد مردمی تره کی در یکی از شهرستانهای هرات بنام "غوریان" کشتار گاهای دایر کرده است و مسلمانان مبارز

جنگ پراکنده و جریکی را آغاز نمود. اگرچه چندین شهر به تصرف دشمن در آمد ولی کنترل تمام مناطقی روستائی که ماکان در دست ارتش آزادیبخش است، بعلاوه ارتش آزادیبخش تاکنون ضربات سختی بر متجاوزین روسی و اتیوپی وارد آورده است.

امروز ما هیت امپریالیسم روس برای خلق آریتره و تمام خلقهای جهان روشنتر شده است. نماینده حبه آزادیبخش خلق آریتره در طی مصاحبه ای اظهار داشت: "تا چندی پیش (روسها) ادعا می کردند که خواهان یک راه حل سیاسی برای مساله آریتره میباشند و اطمینان میدادند که مستقیماً در جنگ شرکت نخواهند کرد. با وجود اینکه میدانستیم رساندن مقادیر متناهی اسلحه به ارتش در رودسته منگیستو، تعلیم ارتش آن و موج مستشاران کوبائی و روسی خود بخود درگیری و مداخله در مساله آریتره می باشد ولی با "خوشبینی" به مساله برخورد می کردیم و امیدوار بودیم اوضاع روشنتر شود. اما امروز معلوم میشود که کلیه این "تضمینات" پرده غبار آلودی برای پوشاندن تهاجم و تجاوز و برای گمراه کردن

مردم و تشدید اختلافات ملی شدیداً از طرف دولت تره کی دنبال میشود. "حفیظ اله امین" (نخست وزیر رژیم تره کی) به نماینده مردم وردگ گفته است: "مردم هزاره "برخاسته اند و ما نماینده پشتونها هستیم، باید شما آنها را سرکوب کنید، مردم "لوگرنیز" باید سرکوب شوند، در عوض ما هانه هرنفره ۵۰۰۰ افغانی (واحد پول افغانستان) دریافت میدارید. ضمناً ۱۴ هزار مسلسل به آنها تخصیص داده اند. تره کی نیز به نمایندگان قبایل "منگل" "طوطی خیل" و "سید کرم" مربوط به استان "پکتیا" گفته است: ما نمایندگان پشتون ها هستیم، مردم هزاره قیام نموده اند. اگر آنها موفق شوند ما و شما را از بین ببرند لذا باید شما نفرات بدهید و ما هانه به هر کدام ۵ هزار افغانی خرج

مجبور به تکیه بر نیروی بیگانگان و از دست دادن استقلال خویش است. اگر دولت منگیستو، حق حاکمیت و استقلال خلق آریتره را بر رسمیت می شناخت مجبور نمیشد که به ابر قدرت روس تکیه کند. سیاست نادرست تحمیل ستم ملی و عدم شناخت حقوق ملی خلقها باعث شده است که دولت اتیوپی در حالیکه میلیونها نفر در کشورش با گرسنگی و کمبود غذا مواجهند، در سال گذشته تنها ۵۵۰ میلیون دلار صرف سرکوب جنبش آزادی بخش آریتره کند.

این جنبش از طرف دیگر با آموختن که خلقهای تحت ستم زمانی قادرند بحقوق حقه خود برسند که به نیروی خود تکیه نموده و سرنوشت خویش را بدست امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت جهان خوار آمریکا و روس نسپارند و با زیجه منافع آنها نگردند. ما مطمئنیم خلق قهرمان آریتره تا با تکیه به نیروی خود، حفظ استقلال و ابتکار عمل و مبارزه قاطع با امپریالیسم، بویژه ابر قدرت شوروی، قدم بقدم به پیروزیهای بیشتری دست یافته و در آینده ای نزدیک استقلال ملی خویش را بدست خواهد آورد.

معاش میدهیم. اگر کشته شدند خرج خانواده آنها را نیز میدهیم. "حفیظ اله امین" و "برادرش" "سداله امین" با عوام فریبی و حیل و تحریک و تقسیم پول، تعدادی از نصد نفر را در "غمان" جمع نموده و با طیاره به "بامیان" انتقال داده اند، تا مردم قهرمان بامیان را سرکوب نمایند. بنا بر اطلاعات رسیده بیشتر این افراد در "بامیان" به قتل رسیده اند. * در تمام دوا پرودفا تره لیستهای طویل ثبت نام آویزان کرده اند، تا ما مورین وفادار به دولت نام خود را در آن بنویسند اما مثلاً در میان تمام استادان دانشگاه "پوهنتون" کابل فقط ۸ نفر نام نوشته اند. در بیشتر جاها این لیستها همچنان سفید مانده است. * روز چهارشنبه ۱۹ اردیبهشت شورش بسیار خونین و مسلحانه ای

کمبودهای جدی در شناخت حق ملی خلق عرب وجود دارد. کمپاید زودتر بر طرف شود بعلاوه دولت باید از دستگیریها و پیگردها و تحت فشار قرار دادن بخشهای از خلق عرب دست بردارد و در سرکوب ضد انقلاب به محدود کردن آزادیهای خلق کشانده نشود. هم چنین سیاست مسئولین دولتی در متحد شدن با بخشهای از اهالی منطقه بر علیه بخشهای دیگر بسیار نادرست است. در این مورد دولت باید سیاست ایجاد وحدت بزرگ با اکثریت توده ها را در پیش گیرد.

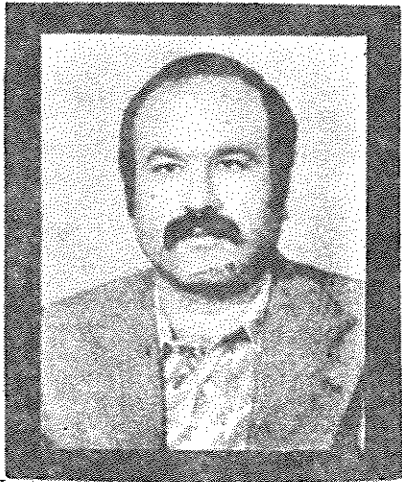
ما ضمن حمایت از حقوق خلق عرب و محکوم نمودن عملیات تروریستی ضد انقلاب بنویسه خود از دولت

میخواهیم که هر چه سریعتر مسائل این منطقه را از طریق مذاکره با نمایندگان واقعی خلق عرب حل و فصل نماید و با اعتماد و اتکا به آنها در جهت تحکیم وحدت خلقهای ایران علییه امپریالیسم و سرکوب ضد انقلاب صمیمانه بکوشد.



در شهر "پل خمری" صورت گرفت. شورشیان ابتدا تمام خطوط مخابراتی را قطع نمودند. - به دوا سگاه پلیس حمله کرده مقاومت کنندگان را به قتل رسانده و تمام سلاحهای هاردو پاسگاه پلیس را به غنیمت میگیرند. - به "بندرو" (ناحیه ۲) که تمام روسها در آنجا اقامت دارند، حمله میکنند اما موفق نمیشوند که روسها را به قتل برسانند. از اوضاع برمیاید که زдохوردی بسیار خونین رخ داده است، زیرا دولت مجبور شده تمام قسمت های جاده را که از خون مردم سرخ شده بود قیرپاشی کند. دوزخ راه پل خمری در اثر حادثه مذکور مسدود بود و رادیو اعلام نمود که در اثر سیلاب جاده مسدود شده در حالیکه هیچ جای جاده را سیلاب خراب نکرده بود.

راه سرخ «بشیر» را ادامه می‌دهیم



میشد که منافعشان نادیده گرفته می‌شد و یا اینکه بغرور کاذبشان لطمه می‌خورد. هر وقت به بشیر گوش زد می‌کردند که قدری آرام تر باشم میگفت من حقیقت را می‌گویم هر کس رنجش پیدا کرد ارزش فایلی و دوستی را ندارد، اجازه بدهید رنجیده خاطر شوند ولی من وجدانم راحت باشد.

با رها با کارگران دکان نانوائی پدرش به درددل می‌نشت و همیشه از اختلاف طبقاتی و محرومیت زحمتکش در عذاب بود و میگفت آیا روزی میرسد که این همه ناکامیها و محرومیتها از بین برود و ثروت بطور عادلانه بین طبقات مردم تقسیم شود؟ همه ما انسان هستیم و دارای یک ساختمان بدنی. چرا انسانی استثنا نشده دیگری باشد. چرا یکی تا خرخره بخورد و دیگری از گرسنگی بیمار و فرسوده شود.

با این ایده‌ها و طرفداری از مظلومین بود که در سال پنجم دبیرستان بخاطر اجاف و زورگویی بعضی مسئولین بمشاجره پرداخت و از دبیرستان اخراج شد. میگفت درس خواندن در اجتماعی که ۹۹/۵ درصد آن محروم هستند چه فایده؟ چرا اجتماع را اصلاح نکنیم؟

بشیر بمیل خود وارد خدمت نظام شد. پس از طی یکسال و اندی خدمت نظام بعزت ناملائیات و اجافات و زورگویی و حق کشی ترک خدمت نمود و چون در آن زمان مزاحمت ایجاد میکردند با تلاش خانواده و پس از مدت‌ها مباحثه و مجادله قانع شد که خدمت نظام خود را تمام کند...

پس از خدمت نظام راهی اروپا شد. او آنقدر در ایدئولوژی خود پابرجا بود تا جان برکف بر علیه ظلم مبارزه کند که از اروپا به فلسطین رفت و در جبهه نبرد خلق فلسطین بر علیه صهیونیسم جنگید و سپس از آنجا به کردستان عراق رفت و بر علیه ظلم مبارزه نمود که در این راه شهید شد. رفیق بشیر خسروی میهن پرستی عمیق خود را با روحیه انتقادی و سبکی عجیب کبرده

سی ام تیر ماه امسال اولین سالروز شهادت رفیقی از سازمان ما، رفیق "بشیر خسروی" است. رفیق بشیر به پیروی از رهنمود سازمان، بعد از مدتی مبارزه همراه خلق قهرمان فلسطین، به صفوف مبارزین کرد در کردستان عراق پیوست. او پیام همبستگی خلقهای ایران و بویژه خلق قهرمان کرد ایران را با خلق کرد عراق با خود به همراه داشت. او راه رهبرانی از ما چون رفیق خسرو صفائی (کاک قباد) را، در جهت همبستگی خلقهای منطقه، مبارزه متحد علیه امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت و نوکیران آنها و امرهای پرولتاریا، ادامه میداد.

رفیق بشیر در تاریخ ۱۳ خرداد ماه ۱۳۵۷ توسط افراد مسلح ملامطفی بارزانی ("قیاده موقت") دستگیر شد و در سی ام تیر ماه، پس از یک ماه و نیم زندان و شکنجه بدست افراد بارزانی به شهادت رسید. او جان خود را با روحیه عالی یک مبارز انقلابی و یک کمونیست فدا کرد و با خون خود پرچم راستین سازمان مبارا علیه ستم ملی و در راه وحدت کلیه خلقها و ملیتهای تحت ستم، سرخ تر نمود. برای سازمان ما، خون او خود پرچمی دیگر به نشانه همبستگی سازمان ما با خلقهای منطقه بویژه خلق قهرمان کرد است.

رفیق بشیر فرزند کار و زحمت بود. گوشه‌هایی از زندگی او را از زبان برادرش بازگو می‌کنیم: "بشیر در فصل بهار در یکی از روزهای فروردین ۱۳۲۲ در آبادان شهر کارگری، شهری که دارای هوای لطیف بهاری بود در منزل پدری، واقع در احمدآباد پامهر صه وجود نهاد، و در دامان مادری با ایمان و پدری کاسب و زحمتکش برورش یافت... بشیر اکثر مواقع با کسانی که پائین تر ز خودش بودند معاشرت مینمود و تا آنجا که امکان داشت محبت میکرد. همیشه قاطعانه حرف می‌زد و بر سر ایده خود و حرف خود ایستادگی

شوروی : کشوری امپریالیستی (۱۴)

حزب کمونیست یا فاشیست؟ (۱)

دارودسته‌ی برژنف - کاسیگین هر کاری که انجام می‌دهد با سم حزب کمونیست یا دولت سوسیالیستی است. آنها پرچم سرخ حزب کبیرلنن - و استالین را در دست گرفته‌اند و همیشه تلاش دارند، اعمالشان را تحت لوای این پرچم توجیه کنند. آیا حق با آنها است؟ آیا حزبی که پرچمش در جنگ اینهاست همان حزب لنن است؟ برای اینکه این موضوع روشن شود بهتر است اول ببینیم حزب یعنی چه و حزب کمونیست چه معنی دارد. استالین می‌گوید یک حزب سیاسی از "گروهی رهبران مبارز" تشکیل میشود. (استالین: طبقه پرولتاریا و حزب پرولتاریا) در این صورت اولین سوالی که مطرح میشود اینست که این "رهبران مبارز" رهبران چه کسی هستند؟ در یک اجتماع طبقاتی این رهبران طبقه‌ای هستند که از طبقات موجود در جامعه گرفته‌اند. مثلاً در یک اجتماع سرمایه‌داری طبیعی است که احزاب موجود با متعلق به سرمایه‌داران باشند، یا از آن کاسبهای جز یا کارگران و غیره. چون منافع طبقات مختلف با هم یکی نیستند و در خیلی موارد با هم شدیداً در تضاد هستند. یک حزب معمولاً از رهبران یک طبقه تشکیل می‌شود و نه بیشتر. اگر یک سازمان سیاسی نمایندگی دو طبقه یا بیشتر را بعهده گرفت در این صورت دیگر اسمش حزب نیست بلکه جبهه واحد است یا یک جنبش چیز. احزاب البته اسمی مختلف دارند و گاهی چند حزب نمایندگی یک طبقه را بعهده می‌گیرند. در این صورت هر کدام از این حزبها نماینده یک قشر یا جناح از آن طبقه هستند. مثلاً احزاب دمکرات و جمهوریخواه آمریکا هر دو نماینده سرمایه‌داران آمریکایی هستند منتها یکی نماینده یک جناح است و دیگری نماینده یک جناح دیگر از این سرمایه‌داران.

پس از اینجا معلوم میشود که یک حزب سیاسی وسیله‌ایست برای دفاع از منافع یک طبقه معین. اما در اجتماعات طبقاتی همیشه میان طبقات اختلاف منافع و درگیری هست. پس یک حزب سیاسی در واقع وسیله‌ای برای مبارزه طبقاتی است. حالا ببینیم حزب کمونیست چیست؟ حزب کمونیست حزب سیاسی طبقه کارگر است. یعنی از افراد پیشرو که وظیفه‌ی رهبری طبقه کارگر را در مبارزات طبقاتی آن بعهده گرفته‌اند، تشکیل میشود. به مجموعه این افراد اصطلاحاً "پیشاهنگ پرولتاریا" می‌گویند. طبقه کارگر معمولاً دارای چندین نوع تشکیلات است. مثلاً سندیکا، اتحادیه کارگری، تعاونی‌ها و غیره. اما حزب کمونیست از پیشروترین عناصر طبقه کارگر تشکیل شده و عالیترین شکل سازمانهای طبقه کارگر می‌باشد. حزب کمونیست بر مبنای تئوری انقلابی مارکسیستی - لنینیستی بنا شده و مظهر اراده‌ی طبقه کارگر (پرولتاریا) است. این البته بدان معنی نیست که اعضای حزب کمونیست فقط از کارگران تشکیل میشود. خیر، در حزب طبقه کارگر افرادی که از طبقات و اقشار غیر کارگری می‌آیند، هم میتوانند عضو شوند. اما کسانیکه از طبقات دیگر هستند بعنوان نمایندگان طبقات خودشان به صفوف حزب پذیرفته نمی‌شوند. بقول مارکس و انگلس "اگر نمایندگان طبقات دیگر به جنبش پرولتاریائی می‌پیوندند، قبل از هر چیزی از آنها خواسته میشود که... بدون قید و شرط جهان بینی پرولتاریائی را قبول کنند" (آثار منتخب مارکس و انگلس، جلد ۱۹، صفحه ۱۷۴) یعنی کلیه این افراد باید برنامه‌ی حزب و خط مشی و اصول تشکیلاتی آنرا بپذیرند و با تمام نیرو برای پیشبرد مبارزات طبقه کارگر فعالیت نمایند.

پیام اتحادیه میهن پرستان کردستان (عراق)

جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهن پرستان کردستان (عراق) بمناسبت اولین سالگرد شهادت رفیق بشیر خسروی، پیامی به سازمان انقلابی فرستاده است. متن پیام بقرار زیر است:

اتحادیه میهن پرستان کردستان
بورو سیاسی
رفقای مبارز سازمان انقلابی
پس از دروهای گرم انقلابی - سلامتی و پیروزیتان را در مبارزه دوشادوش همه نیروهای مترقی ایران برای بدست آوردن پیروزی

میشود... بدون قید و شرط جهان بیسی پروتکل ریاستی را قبول کنند (آثار منتخب مارکس و انگلس، جلد ۱۹، صفحه ۱۷۴) یعنی کلیه این افراد باید برنامهای حزب و خط مشی و اصول تشکیلاتی آنرا بپذیرند و با تمام نیرو برای پیشبرد مبارزات طبقه کارگر فعالیت نمایند.

حال ببینیم نقش حزب کمونیست بعد از پیروزی سیاسی بر طبقه سرمایه دار چیست. فرض کنیم که حزب کمونیست کشوری، طبقه کارگر را بدرستی رهبری نموده، انقلاب سوسیالیستی را انجام داده و حکومت زحمتکشان به رهبری طبقه کارگر که با آن اصطلاحاً "دیکتاتور پرولتاریا" میگویند، برقرار شده است. آیا در چنین صورتی باز هم مبارزات طبقاتی ادامه می یابد؟ و آیا باز هم به حزب کمونیست احتیاج است؟

بقیه در صفحه ۷

خلق اریتره شکست ناپذیر است

طرح تشکیل فدراسیون اتیوپی-اریتره را می توان نام برد. این طرح در خدمت خارج کردن اریتره از دست انگلیس بود. از آنجا که دولت اتیوپی وابسته به امپریالیسم آمریکا بوده، امپریالیستهای آمریکا نمی توانستند با تشکیل این فدراسیون اریتره را از طریق رژیم وابسته هایلاسلای در اختیار خود داشته باشند. برای انجام این توطئه امپریالیسم آمریکایی قطعنامه ای را به سازمان ملل تحمیل نمود که بر طبق آن اریتره استقلال خود را از دست نداد و تنها دولت داخلی خود را با صلاح مستقلا انتخاب می نمود ولی "هایلا سلای" امپراطور اتیوپی رئیس فدراسیون بود.

از همان ابتدای تشکیل

از خودش بودند اما شرت می نمود و آنجا که امکان داشت محبت میکرد. همیشه قاطعانه حرف میزد و بر سر ایده خود و حرف خود ایستادگی داشت. همه وقت طرفدار حق و عدالت بود و در رک گوئی معروف بود. هیچگاه در قضاوت های خود بین چند نفر تعصب نشان نمیداد و با قاطعیت و رک گوئی حقیقت را میگفت و حق را به حق دار میداد. این موضوع باعث رنجش کسانی

فدراسیون تحمیلی امپریالیسم آمریکا، "هایلا سلای" تمام کوشش خود را برای ضمیمه ساختن سرزمین اریتره به اتیوپی به کار برد. در ۱۹۵۶ دولت داخلی اریتره را با زور سر نیز به استعفا وادار نمود و یورش بزرگی را علیه کلیسای حقوق دمکراتیک خلق آغاز نمود و در ۱۴ نوامبر ۱۹۶۲، رسماً اریتره را "ایالت چهاردهم اتیوپی" اعلام نمود.

از این رو خلق اریتره برای کسب استقلال ملی خود به مبارزه مسلحانه دست زد. در این زمان با بر قدرت روس نیز با طر تضعیف رژیم مرکزی طرفدار آمریکادار اتیوپی کمکهای محدودی به این جنبش میکرد.

در سال ۱۹۷۴، رژیم وابسته بقیه در صفحه ۷

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمک مالی خوانندگان، نقش موثری در ادامه ی کار ما دارد. مشکلات مالی ما زیاده و بدون یاری تک تک خوانندگان، این مشکلات از میان برداشته نخواهند شد. هر کس که "رنجبر" را نشریه ی خودش میداند و وظیفه دار رد در جتوانی اش به آن کمک کند، سیاست ما اتکاء به نیروی لایزال مردم است و به همین خاطر مشکلاتمان را با شما در میان میگذاریم و مطمئنیم که با شما و همراه شما آنها را یک بیک حل خواهیم کرد. در انتظار یاریا سنج مثبت شما هستیم.

کمکهای خود را به حساب بانکی زیر واریز نمائید:

بانک ملی ایران

تهران - شعبه خیابان ایران شهر

شماره حساب ۴۵۳۶۸

که در این راه شهید شد. رفیق بشیر خسروی میهن پرستی عمیق خود را با روحیه انترناسیونالیستی عجین کرده بود. بمیان خلق قهرمان فلسطین رفت تا ایستادگی، مقاومت و شهادت انقلابی را بیا مسوزد. همزمان فلسطینی اورا بنام "اخ احمد" میشناختند و در کردستان نام "کاک محمود" براونهادند. خاطرات پیش مرگهائی که در دسته او بودند نشانه ای از خصائل عالی انقلابی اوست:

- وقتی که روزها و هفته ها در کوههای پوشیده از برف با مزدوران دارو دسته بازرانسی می جنگیدند و با در حال راه پیمائی بودند، پیش مرگه ها تیر می کردند که چگونه کاک محمود از چیره نان خود ذخیره میکرد و وقتی که یکی از پیش مرگه ها از بی غذایی حال راه رفتن نداشت با او میداد و همیشه طوری وانمود میکرد که گویا از نان اضافی بآنها میدهد.

- یک نفر از صف عقب میماند، کاک محمود فوراً سراغش میرود و کوله

خوزستان

علیه توطئه های ضد انقلابی مبارزه کنیم

سی و پنج میانیون ایرانی است، در خطر است. در روزهای اخیر عملیات تروریستی ضد انقلاب همچنان ادامه یافت. از یکسویه منزل آیت الله آل شیر خاقانی حمله شد. از سوی دیگر پاسدار انقلاب انوشیروان رضائی به شهادت رسید و به اجتماع مردم در مسجد جامع با نارنجک و مسلسل حمله شد که ۷ کشته و دهها زخمی بجا گذاشت.

ما معتقدیم دولت باید وضع بغرنج خوزستان و هشدارهای آیت الله آل شیر خاقانی را مورد توجه جدی قرار دهد و بکمک و با اتکاء به توده ها شیوه صحیحی در ایجاد نظم انقلابی و مقابله با ضد انقلاب اتخاذ نکته ای که باید در مورد اوضاع خوزستان و حقوق خلق عرب بقیه در صفحه ۷

هفته گذشته حضرت آیت الله آل شیر خاقانی در نامه ای خطاب به نخست وزیر، اوضاع و احوال و انفجاری خوزستان را تشریح نمودند و به دولت هشدار دادند که هر چه سریعتر نسبت به حل و فصل مسأله امتیز ساله اقدام نمایند. از جانب دیگر در طی روزهای گذشته ما شاهد فعالیت های مخرب و ضد انقلابی مختلفی در خوزستان بودیم که انفجار لوله های نفت و گاز آبادان - ماهشهر و لوله نفت آغا جاری، و تخریب در پل راه آهن خرمشهر از آن جمله اند. آیت الله آل شیر خاقانی مجدداً با صدور اعلامیه ای ضمن اشاره به عدم قاطعیت و صراحت دولت و مماشات و سکوت در مقابل مسائل این ناحیه، هشدار دادند که عوامل مرتجع سلطه گرا و امپریالیسم دست در کار توطئه هستند و تا سیسات نفتی مملکت که متعلق به

دو هفته قبل یک هیئت نمایندگان از طرف جنبش آزادیبخش خلق اریتره به ایران آمد. این هیئت پیام تبریک خلق قهرمان اریتره را بمناسبت پیروزی انقلاب ایران با خود به همراه داشت. خلق اریتره، خلق کشور کوچکی است که دهها سال است بر علیه امپریالیسم و نوکرائش و برای کسب استقلال ملی خویش می جنگد.

سرزمین اریتره از ۱۵۵۷ تا ۱۸۶۵ تحت سلطه عثمانی ها بود و سپس از ۱۸۸۶ تا ۱۹۴۱ در اشغال ایتالیا ای ها قرار داشت. با شروع جنگ جهانی اول در ۱۹۴۰، ایتالیا به انگلستان اعلام جنگ داد. این جریان باعث خوشحالی عده ای در صفوف خلق اریتره گشت زیرا می پنداشتند که این عمل به استقلال آنها کمک خواهد کرد. از این روزها ران نفرا ز صفوف ارتش استعماری ایتالیا گریخته و در خدمت ارتش انگلستان در آمدند. آنها شجاعانه بر علیه فاشیستهای ایتالیا جنگیدند ولی با شکست ایتالیا در ۱۹۴۱، انگلیسی ها جای آنها را گرفتند و اریتره به مستعمره این امپریالیسم تبدیل گشت و خلق اریتره مجبور به ادامه مبارزه علیه استعمارگران انگلیسی شد.

در این ایام در سطح جهانی امپریالیسم بر قدرت آمریکا برای بچنگ آوردن مستعمرات امپریالیستهای شکست خورده و با تضعیف شده در جنگ، فعالیت پر دامنه ای را بجلو میبرد. از جمله